



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين

سینما بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه

سکالہ





کاری از مؤسسہ علمی-فرہنگی موعود ثقلین

✽ عنوان کتاب: کتاب سامراء

✽ بہ اہتمام گروہ علمی مؤسسہ موعود ثقلین:

سید محمد متین اسحاق پور، سید مصطفیٰ فاطمی،

سید احمد موسوی اطہر، امیر جعفری

✽ بانظارت: حامد فرج پور

✽ مدیر ہنری: محمد عباس زادہ

✽ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخہ

✽ نوبت چاپ: اول، بہار ۱۴۰۳

قسم: خیابان سمیہ، خیابان رجائی، کوچہ

پنجم، پلاک ۵۱، مؤسسہ موعود ثقلین

moudethagalain ۰۹۱۹۱۶۰۷۶۱۶

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	♦ امام هادی علیه السلام
۱۱	مختصری از زندگانی امام هادی علیه السلام -----
۱۳	علت شیعه شدن عبدالرحمن اصفهانی -----
۱۵	ارتباط با امام -----
۱۷	داستان برخورد امام با فرستاده حاکم -----
۱۹	♦ امام حسن عسکری علیه السلام
۲۱	مختصری از زندگانی امام عسکری علیه السلام -----
۲۳	ارسال کمک برای شیعیان از زندان و حضور شبانه -----
۲۵	تدبیر امام برای جلوگیری از تالیف کندی -----
۲۷	نوشیدن آب رحیل و آخرین وضوء -----
۲۹	♦ آداب و اعمال زیارت حرم عسکریین علیهما السلام
۳۱	فضیلت زیارت ایشان -----
۳۳	آداب زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام -----
۳۵	اذن دخول حرم -----
۳۷	زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام -----
۳۹	دعایی مستجاب در کنار قبر امام هادی علیه السلام -----
۴۱	♦ دو بانوی سامرا
۴۳	حکیمه خاتون و نرجس خاتون علیهما السلام -----

زیارت حضرت نرجس خاتون علیها السلام ----- ۴۹

زیارت حضرت حکیمه خاتون علیها السلام ----- ۵۳

♦ امام زمان علیه السلام ۵۷

حضرت مهدی علیه السلام ----- ۵۹

ولادت امام زمان علیه السلام ----- ۶۱

امام حسن عسکری علیه السلام امام زمان را به اصحابش معرفی می‌کند

----- ۶۵

ماجرای ابوالأدیان ----- ۶۷

هجوم به خانه امام زمان علیه السلام ----- ۷۱

نامه ای از امام زمان علیه السلام ----- ۷۵

معرفت امام زمان علیه السلام ----- ۷۷

وظایف شیعیان در قبال امام زمان ----- ۷۹

راهکارهای ارتباط با امام عصر علیه السلام ----- ۸۵

♦ سرداب مطهر امام زمان علیه السلام ۸۹

سرداب مطهر ----- ۹۱

کتابنامه ----- ۱۰۲

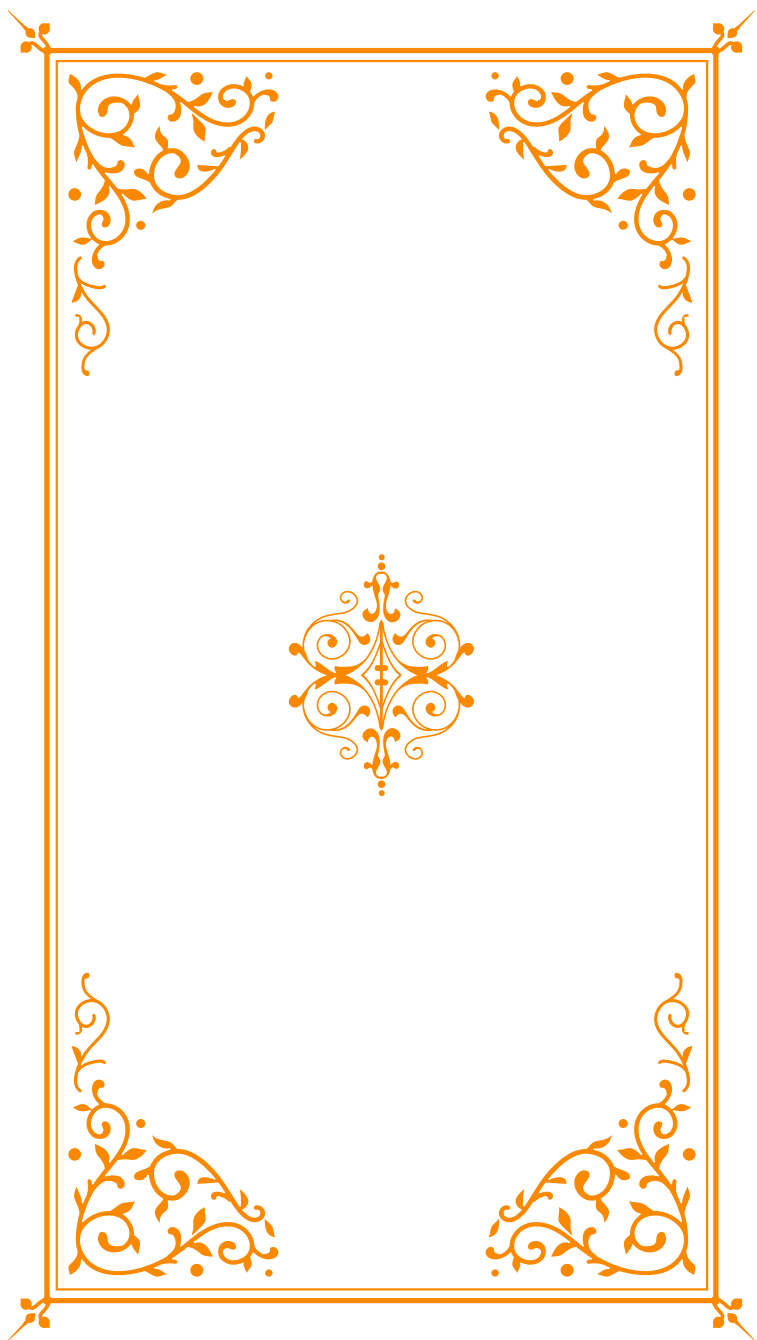
مقدمه

از دستورات مهم اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام، لزوم معرفت و شناخت شیعیان نسبت به امامان به ویژه امام زمان علیه السلام است. با این رویکرد، موقعیت بی نظیر حرم عسکریین علیهم السلام و سرداب مطهر و منزل حضرت مهدی علیه السلام در شهر سامراء برای شیعیان فوق العاده قابل توجه و استفاده است.

به طور معمول شناخت و آگاهی عموم شیعیان نسبت به سامراء، امامین عسکریین علیهم السلام، سرداب مطهر و وجود مقدس امام زمان علیه السلام تا حد مطلوب فاصله دارد.

کتاب سامراء تلاش دارد از این انتساب و علقه مکانی، جهت ایجاد معرفت و توجه نسبت به این بزرگواران به ویژه امام زمان علیه السلام و به صورت ویژه تر برای زائران سامراء مقدسه استفاده نموده و پاسخگوی سؤالات و راهنمای خیل زائران این بقعه مقدسه باشد.

امام‌شادی علیه السلام



مختصری از زندگانی امام هادی علیه السلام

امام هادی علیه السلام طبق قول مشهور در ۱۵ ذی الحجه سال ۲۱۲ در مدینه چشم به جهان گشود. نام ایشان علی و دولقب مشهور ایشان هادی و نقی است. پدرشان حضرت جواد علیه السلام و مادرشان سمانه خاتون هستند که به فرموده حضرت هادی علیه السلام از جمله زنان بهشتی و دارای شخصیتی والا از جهت معرفت و تقواست.

امام هادی علیه السلام در سن ۸ سالگی به امامت رسیده و از هنگام تولد در شهر مدینه استقرار داشت تا زمانی که متوکل آن حضرت را وادار به ترک مدینه و انتقال به شهر سامرا کرد. در این راستا «بُریحه عباسی» امام جماعت حرمین، به متوکل نامه نوشت که: «اگر می‌خواهی مردم مکه و مدینه تحت فرمان تو باشند، علی بن محمد را از این شهر بیرون کن؛ زیرا تعداد زیادی از ساکنان این منطقه را مطیع و فرمان بردار خود کرده است.» در شهر سامرا نیز امام هادی علیه السلام تحت نظارت شدید حکومتی بوده و شیعیان خویش را بیشتر از طریق سازمان وکالت (تعداد زیادی از وکلای حضرت در شهرهای مختلف) مدیریت می‌کردند. در آخرین حکومت عباسی آن حضرت را با سم به شهادت رساند. آرامگاه امام هادی علیه السلام در شهر سامرا و در همان خانه ای واقع شده است که آن جناب در آن زندگی می‌کرد.

زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه از جمله آثار گران بهای به
جامانده از امام هادی علیه السلام است. این دوزیارت حاوی مطالب والای
معارفی می باشد و محققان و اندیشمندان اسلامی از این دوزیارت
برای شناخت مقام امامت در طول تاریخ بهره های وافری برده اند.
امام هادی علیه السلام در خلافت معتز دوران بسیار سختی را سپری
نمود و سرانجام با دسیسه این خلیفه جبار در سوم رجب سال ۲۵۴
مسموم شد و به شهادت رسید و پیکر مطهرش در خانه مطهرش
دفن شد.

علت شیعه شدن عبدالرحمن اصفهانی

قطب راوندی از جماعتی از اهل اصفهان روایت کرده که در اصفهان مردی به نام «عبدالرحمن» بود که شیعه مذهب بود. به او گفتند: چرا مذهب شیعه را برگزیدی و قائل به امامت حضرت امام علی نقی (امام هادی) علیه السلام شدی؟ گفت: به دلیل معجزه ای که از او دیدم.

من مردی فقیر و تهی دست بودم. اما با این حال، صاحب زبان و با جرأت بودم. سال‌ها پیش همراه عده‌ای از اهل اصفهان برای دادخواهی به نزد متوکل رفتیم. روزی که به آنجا رسیدیم، علی بن محمد بن رضا علیه السلام احضار شد. من از شخصی پرسیدم که این مرد کیست که متوکل او را احضار کرده است؟ گفت: او مردی از علویین است که رافضی‌ها و شیعیان او را امام می‌دانند. پس از آن گفت: ممکن است متوکل او را خواسته باشد تا او را به قتل برساند.

من با خود گفتم که از جای خود حرکت نمی‌کنم تا این مرد علوی بیاید و او را ببینم. ناگهان شخصی سوار بر اسب پیدا شد.

مردم برای احترام در طرف راست و چپ راه او صف کشیدند و او را مشاهده می‌کردند. وقتی نگاه من به او افتاد، محبت او در دلم جای گرفت و شروع کردم به دعا کردن که خداوند اشر متوکل را از او برگردان.

آن جناب، در حالی که نگاهش به یال اسب خود بود، از میان مردم می‌گذشت و به اطرافش نگاه نمی‌کرد تا به من رسید، در حالی که من هم مشغول به دعا در حق او بودم. وقتی به من رسید، به من نگاه کرد و فرمود: عبدالرحمن! خدا دعایت را مستجاب کرد و عمرت را طولانی نمود و مال و اولادت را بسیار گردانید.

من وقتی این سخنان را شنیدم، به خود لرزیدم و به جمع رفقایم رفتم. آن‌ها از من پرسیدند که چه شد؟ گفتم: خیر است، ولی دلیل حال خود را به کسی نگفتم، وقتی به اصفهان برگشتم، خداوند مال بسیار به من عطا کرد. امروز آنچه من مال و ثروت در خانه دارم قیمتش به هزار هزار درهم می‌رسد، به جز آنچه بیرون خانه دارم. ده فرزند نیز روزی من شد و عمرم هم از هفتاد سال گذشته است و اینک من معتقد به امامت کسی هستم که از دل من خبر دارد و دعایش در حق من مستجاب شده است.

ارتباط با امام

عالم بزرگوار شیعه، مرحوم سید بن طاووس است که شدت ارادت و عمق معرفتش نسبت به امام عصر علیه السلام بر همگان آشکار می باشد در ضمن سفارش هایی به فرزندش، در خصوص حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

ای فرزندم محمد! از اموری که به تو گوشزد می کنم - خداوند عقل و قلب تو را از تصدیق اهل صدق و توفیق شناخت حق پر کند - این است که خداوند بر حسب قدرت و رحمت خویش، پاسخ مولایمان مهدی - صلوات الله و سلامه علیه - را به تو می شناساند. یکی از این راه ها حدیثی است که مرحوم محمد بن یعقوب کلینی در کتاب «الرسائل» نقل فرموده - از فردی که او را نام می برد - می گوید:

شخصی در نامه خود به امام هادی علیه السلام چنین نوشت: همانا انسان دوست دارد آن گونه که با خدای خود راز و نیاز می کند با امامش راز و نیاز داشته باشد (چه کار باید بکند؟)

حضرت در پاسخ چنین مرقوم فرمود:
ان كانت لك حاجة فحرك شفتيك فانّ الجواب يأتيك.
اگر حاجتی داری، لبهایت را حرکت بده (یعنی امامت را صدا کن)، آن گاه حمایت
و جواب به تو خواهد رسید.

در ادامه مرحوم سید بن طاووس به فرزندش می‌فرماید:
ای فرزندم! من به همین مقدار برای بیدار نمودن تو اکتفا کردم
و بدان که راه به سوی امام تو باز است، برای کسی که خداوند
بخواهد عنایت و احسان کامل خود را شامل حالش بگرداند.

داستان برخورد امام با فرستاده حاکم

جراحت و زخمی خطرناک در بدن متوکل به وجود آمد که هیچ طبیبی توان درمان آن را نداشت. مادر خلیفه نذر کرد که اگر فرزندش شفا پیدا کند مبلغ زیادی برای حضرت هادی علیه السلام بفرستد. پس از ناتوان شدن طبیبان از درمان آن، فتح بن خاقان درمان آن را از حضرت هادی علیه السلام درخواست کرد و متوکل به نسخه ای که حضرتش فرمود نجات یافت. مادرش خشنود شد و ده هزار دینار در کیسه گذاشته و سرکیسه را مهر کرد و برای آن حضرت فرستاد.

بعد از اینکه متوکل از آن بیماری شفا یافت، روزی مردی نزد متوکل از آن امام هادی علیه السلام بدگویی کرد و ادعا کرد که امام اسلحه و اموال بسیاری گرد آورده و تصمیم دارد علیه خلیفه قیام کند. به همین دلیل متوکل، سعید بن حاجب را طلبید و گفت: بی خبر به خانه امام علی النقی الهادی علیه السلام برو و هرچه در آنجا اسلحه و اموال پیدا کردی، برای من بیاور.

سعید گفت: نیمه شب نردبانی برداشتم، به خانه آن حضرت رفتم و نردبان را بردیوار خانه گذاشتم. وقتی خواستم پایین بروم، به دلیل تاریکی راه را گم کرده و حیران شده بودم.

ناگهان حضرت از درون خانه مرا صدا کرد که: یا سعید مکانک! ای سعید! همان جا که هستی بمان! ... تا برای تو شمع و چراغ بیاورند.

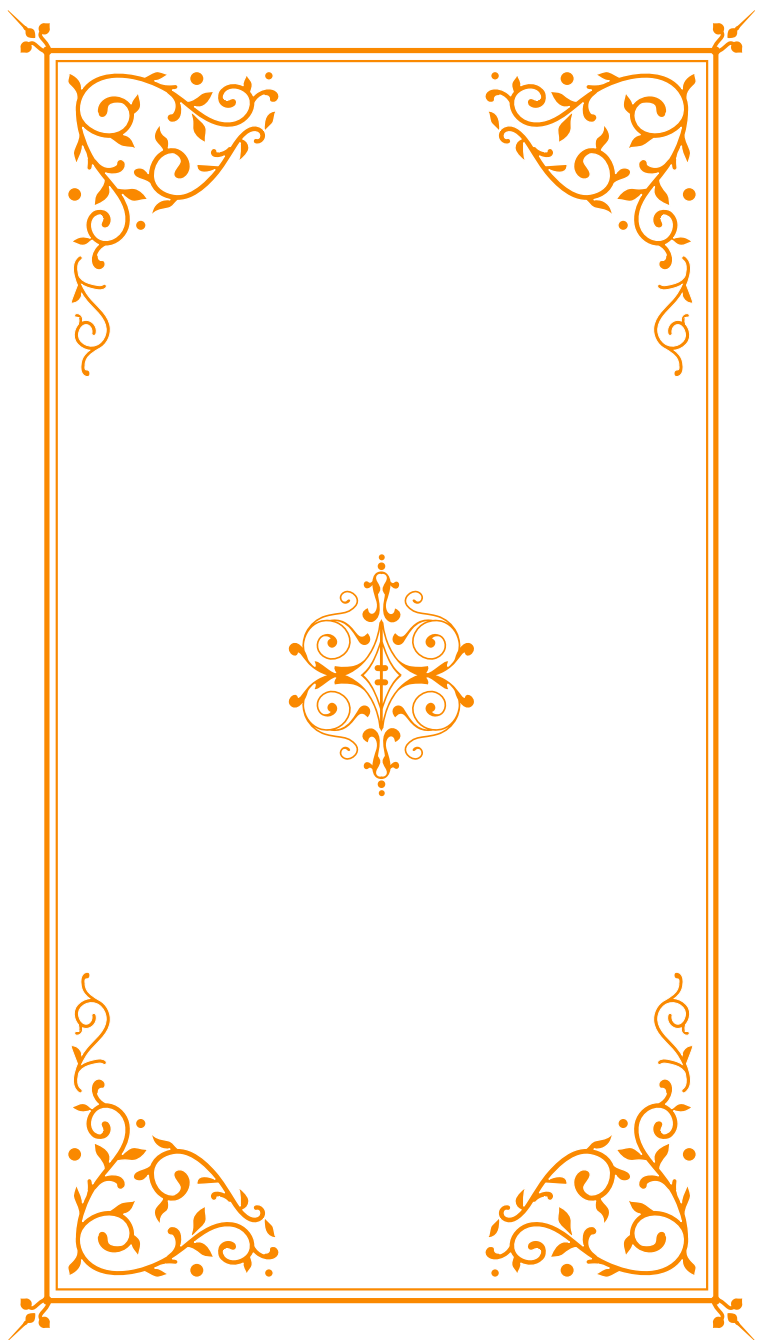
وقتی شمع آوردند پایین رفتم، دیدم که حضرت با جبه و عمامه‌ای از پشم، سجاده خود را بر روی حصیری گسترده و روی سجاده رو به قبله نشسته است.

فرمود: «برو این خانه را بگرد». همه اتاق‌های خانه را تفتیش کردم، اما هیچ پیدا نکردم به جز دو کیسه پول که روی یکی از آن‌ها مهر مادر متوکل بود. سپس فرمود: «سجاده مرا بردار». وقتی برداشتم، در زیر سجاده شمشیری دیدم که غلاف چوبی داشت. آن شمشیر را با دو کیسه زر برداشتم و نزد متوکل رفتم. وقتی مهر مادر خود را دید، او را نزد خود خواست و حقیقت ماجرا را پرسید. مادرش گفت: من برای او فرستاده‌ام و او هنوز مهرش را برنداشته است. کیسه دیگر را گشود. چهارصد دینار در آن بود. متوکل یک کیسه زر دیگر به آن افزود و گفت: «ای سعید! این کیسه‌ها را با آن شمشیر برای او ببر، و عذر خواهی کن». وقتی آن‌ها را به خدمت آن حضرت بردم، گفتم: سید من! از تقصیر من بگذر که بی ادبی کردم و بدون اجازه به خانه شما وارد شدم. از طرف خلیفه مأمور بودم و معذور. ایشان فرمود:

﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾

آن‌ها که ستم می‌کنند، به زودی خواهند دانست که بازگشتشان به سوی کجاست.

امام سن عسکری
علیہ السلام



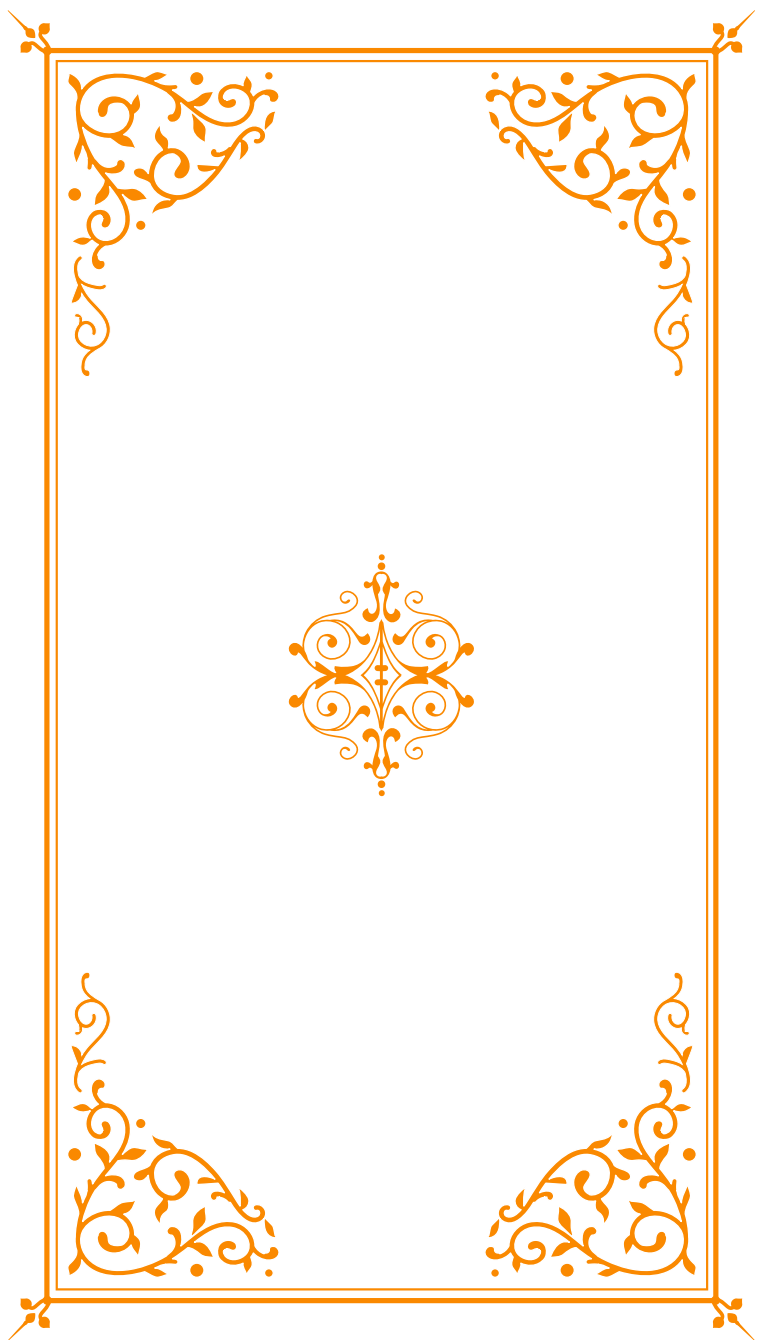
مختصری از زندگانی امام عسکری علیه السلام

حسن بن علی مشهور به امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین امام شیعیان در هشتم ماه ربیع الثانی چشم به جهان گشود. پدر حضرت امام هادی علیه السلام و مادر ایشان حدیث نام دارد که در نهایت صلاح و ورع و تقوی بوده است.

حضرت عسکری علیه السلام صورتی گندمگون، بدنی در حد اعتدال، ابروانی سیاه رنگ و کمانی، چشمانی درشت، پیشانی گشاده، دندان های درشت و سفید و خالی برگونه راست داشت.

مشهورترین لقب آن حضرت، عسکری است که به اقامت اجباری اش در شهر سامرا که عسکر (پادگان نظامی) بود اشاره دارد. حضرت در سامرا، همچون پدرشان امام هادی علیه السلام، تحت مراقبت حکومت عباسی قرار داشت و برای فعالیت هایش با محدودیت شدیدی روبه رو بود.

امام حسن عسکری علیه السلام در ۸ ربیع الاول سال ۲۶۰ قمری، در سن ۲۸ سالگی در سامرا مسموم گشته و به شهادت رسید و در کنار مرقد شریف پدرش دفن شد. با شهادت آن حضرت، همه بازارها تعطیل شد و جمعیت گسترده ای در تشییع جنازه آن حضرت شرکت نمود. تا بدانجا که در آن روز سامرا از کثرت ناله و شیون و گریه مردم، مانند صحرای قیامت شده بود.



ارسال کمک برای شیعیان از زندان و حضور شبانه

یکی از اصحاب و راویان حدیث که به نام ابویعقوب حکایت می‌کند: در دورانی که حضرت ابومحمد، امام حسن عسکری علیه السلام در زندان معتمد عباسی به سر می‌برد، به بعضی از دوستان و یاران باوفايش سفارش می‌فرمود تا مقدار معینی غذا برای فقرا و افراد بی‌بضاعت از خانواده‌های مؤمنین ببرند و در ضمن می‌فرمود: متوجه باشید، هنگامی که وسائل خوراکی را درب منزل فلانی و فلانی برسانید، من نیز در کنار شما همان جا حاضر خواهم بود؛ با این حال که مأمورین حکومتی به طور مرتب جلوی زندان و اطراف آن حضور داشتند و دائم در گشت و کنترل بودند.

همچنین با این که مسئول زندان هم جلوی زندان حاضر بود و درب زندان قفل داشت و در هر پنج روز، یکبار مسئول زندان را تعویض می‌کردند تا مبادا راه دوستی میان امام با افراد زندانی پیدا شود و نیز با توجه بر این که جاسوسانی را به شکل‌های مختلف، در اطراف گماشته بودند.

با همهٔ این سختگیری‌ها، همین که اصحاب دستور حضرت را اجراء می‌کردند و مقدار غذای سفارش شده را به درب منزل شخص فقیر مورد نظر می‌رساندند، می‌دیدند که امام علیه السلام قبل از آن‌ها جلوی منزل حضور دارد و از آن فقرا دلجوئی می‌نماید. از این طریق فقراء و شیعیان، توسط امام حسن عسکری علیه السلام در رفاه و آسایش قرار می‌گرفتند و امام مسلمین، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به هر نوعی که می‌توانست حتی از داخل زندان هم، به خانواده‌های بی‌بضاعت و تهی‌دست رسیدگی می‌نمود.

تدبیر امام برای جلوگیری از تالیف کندی

ابن شهر آشوب نقل کرده که اسحاق کندی که فیلسوف عراق بود، در زمان خود شروع کرد به تالیف کتابی در اثبات تناقض قرآن و مشغول کرد خود را به آن امر به حدی که از مردم کناره گرفت و در منزل بود و پیوسته به این کار اهتمام داشت. تا آنکه یکی از شاگردان او خدمت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رسید، حضرت به او فرمود: آیا در میان شما یک مرد رشیدی و عاقل نیست که استاد شما کندی را از این کار منصرف کند؟

آن شاگرد گفت: چگونه ما می توانیم در این کار به او اعتراض کنیم یا در غیر این کار و شایسته نیست از ما نسبت به او این کار. حضرت فرمود: اگر من چیزی به تو آموزش بدهم توبه او می رسانی؟ عرض کرد: آری، فرمود: برو به نزد او و انس بگیر با او و لطف و مدارا کن با او در مؤانست و یاری او، پس زمانی که انس و رفاقت بین شما واقع شد، به او بگو مساله ای به نظرم رسیده می خواهم آن را از تو بپرسم. آن گاه بگو اگر کسی بگوید که آیا جایز است که خدای متعال از قرآن اراده ای فرموده باشد غیر از آن معنی که تو گمان کرده ای؟

او در جواب می‌گوید: بله جایز است زیرا او مردی فهیم است، پس به او بگو شاید خداوند در قرآن غیر آن معنایی که تو برای آن در نظر گرفته ای اراده فرموده باشد و اینگونه توفّر آن را اشتباه معنا کنی. آن شاگرد نزد کندی رفت و با او ملاطفت کرد تا آنکه آن مساله را به او گفت. کندی گفت: این مساله را تکرار کن. آن شاگرد مطلب را تکرار کرد. کندی فکری کرد و گفت که براساس لغت و نظریه وجود معنای دیگر جایز است. سپس به شاگردش گفت: تو را قسم می‌دهم که به من بگویی که این مساله را چه کسی به تو آموخته است؟ شاگرد گفت: این مطلب به قلبم الهام شده است. کندی گفت: چنین نیست که تو می‌گویی زیرا که این کلامی نیست که از مانند تو سر بزند و توهنوز به آن مرتبه نرسیده ای که چنین مطلبی را بفهمی، به من بگو آن را از کجا آوردی؟ شاگرد گفت: حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مرا به آن امر فرموده است. کندی گفت: الان حقیقت ماجرا را بیان کردی، این گونه مطالب تنها از این خانواده بیرون می‌آید. پس آتشی طلبید و آنچه در این باب نوشته بود سوزانید.

نوشیدن آب رحیل و آخرین وضوء

مرحوم شیخ طوسی به نقل از ابوسهل نوبختی حکایت می‌کند:
در روزهایی که امام حسن عسکری علیه السلام در بستر بیماری قرار گرفته بود و در همان بیماری به شهادت رسید به ملاقات و دیدار حضرت رفتم. پس از آن که لحظه ای در کنار بستر آن امام مظلوم با حالت غم و اندوه نشستم و به جمال مبارک حضرتش می‌نگریستم، ناگاه دیدم آن حضرت، خادم خود را (که به نامش عقید و سیاه چهره بود) صدا کرد و به او فرمود: ای عقید! مقداری آب - به همراه داروی مصطکی - بجوشان و بگذار سرد شود.

همین که آب، جوشانیده و سرد شد، ظرف آب را خدمت امام حسن عسکری علیه السلام آورد تا بیاشامد. موقعی که حضرت ظرف آب را بادت های مبارک خود گرفت، لرزه و رعشه بردست های حضرت عارض شد، به طوری که ظرف آب بردندان های حضرت می خورد و نمی توانست بیاشامد. آب را روی زمین نهاد و به خادم خویش فرمود: ای عقید! داخل آن اتاق برو، آن جا کودکی خردسالی را می بینی که در حال سجده و عبادت می باشد، بگو نزد من بیاید.

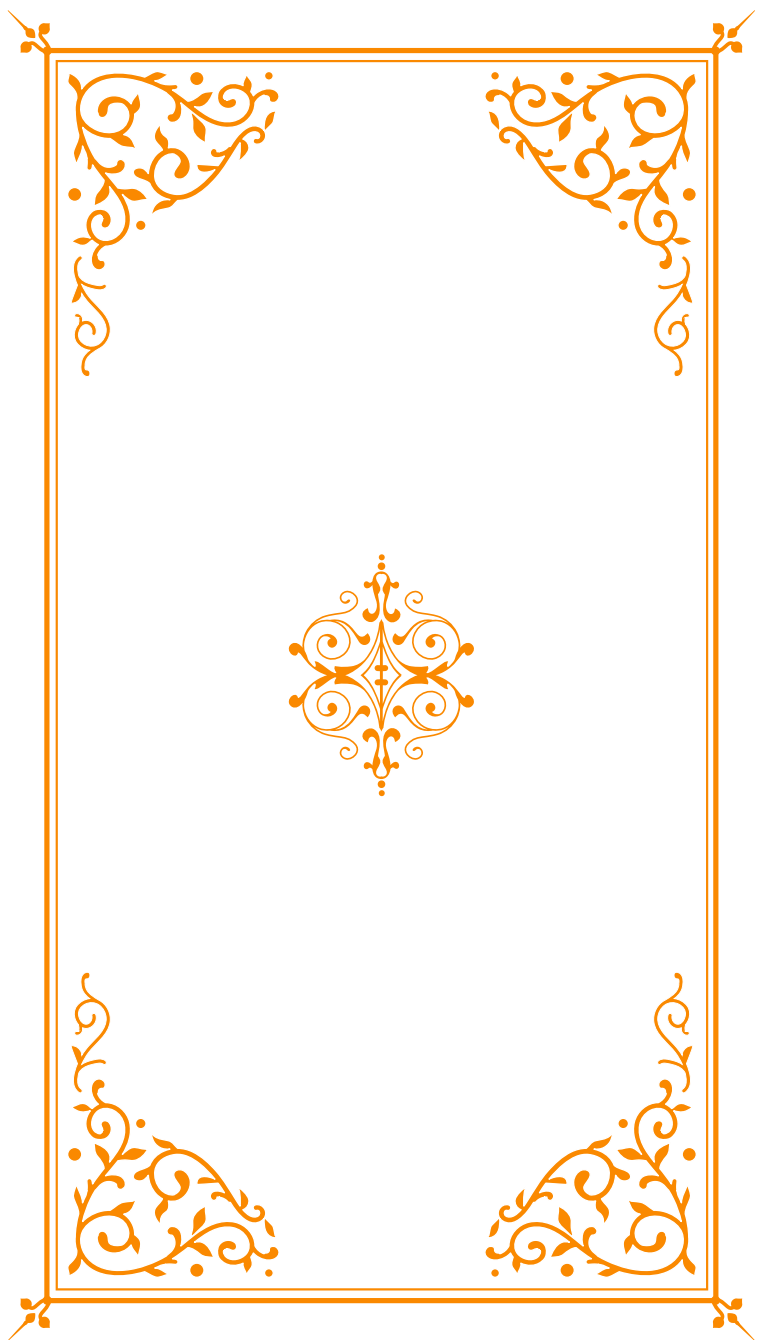
خادم حضرت گفت: چون داخل اتاقی که امام علیه السلام اشاره نمود، رفتم کودکی را در حال سجده مشاهده کردم که انگشت سبابه خود را به سوی آسمان بلند نموده است، بر او سلام کردم. او نماز و سجده خود را خلاصه و کوتاه نمود. پس به محض ایشانشان عرض کردم: مولایم فرمود نزد ایشان برویم. در همین لحظه، مادر آن فرزند عزیز آمد و دست کودک را گرفت و پیش پدرش برد.

ابوسهل نوبختی گوید: هنگامی که کودک - که بسیار زیبا و همچون ماه نورانی بود - نزد پدر آمد، سلام کرد و همین که چشم پدر به فرزند خود افتاد، گریست و به او فرمود: ای پسر! تو سید و بزرگ خانواده ما هستی، من به سوی پروردگار خود رحلت می نمایم، مقداری از آن آب مصطکی را با دست خود برده‌ام بگذار. چون مقداری از آن آب مصطکی را تناول نمود، فرمود: مرا کمک کنی تا نماز به جا آورم، پس آن کودک حوله ای را که در کنار پدر بود، روی دامن امام علیه السلام انداخت و سپس پدرش را وضوء داد. و چون حضرت ابومحمد امام عسکری علیه السلام نماز را با آن حال مریضی انجام داد، خطاب به فرزند خویش نمود و فرمود:

ای فرزندم! تو را بشارت باد، که تو صاحب الزّمان و مهدی این امت هستی، تو حجّت و خلیفه خدا بر روی زمین می باشی، تو وصی من و نیز خاتم ائمه و اهل بیت عصمت و طهارت خواهی بود و جدّت پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله تو را هم نام خود معرفّی نموده است.

راوی در پایان سخن افزود: در همین لحظات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به وسیله آن سمّ و زهری که توسط معتصم به او خورانیده شده بود رحلت نموده و به شهادت رسید.

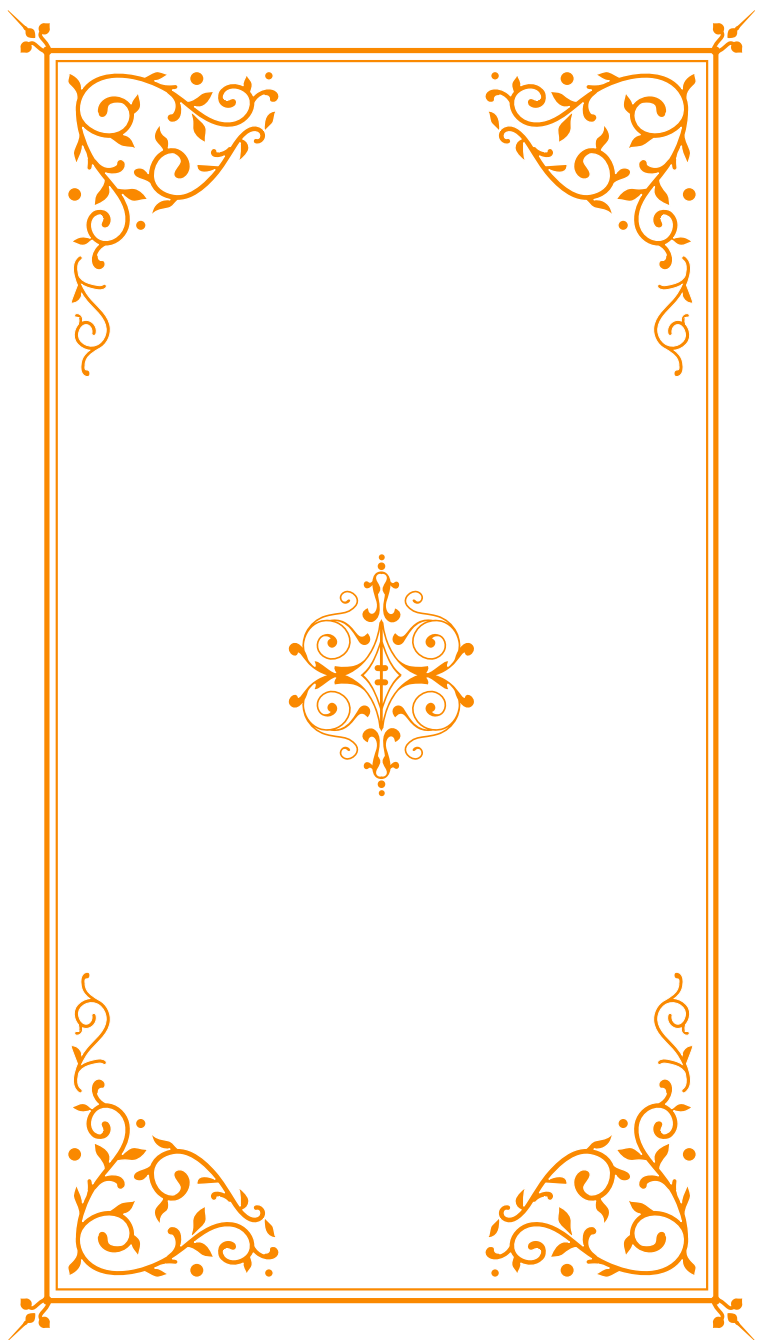
آداب و اعمال زیارت
حرم عسکریین علیہ السلام



فضیلت زیارت ایشان

پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای ابالحسن! خداوند متعال قبر تو و قبر فرزندان را بقعه‌هایی از بقعه‌های بهشت و آستانه‌ای از آستانه‌های بهشت قرار داده است و همانا خداوند متعال دل‌های بندگان نجیب و برگزیده خویش را شیفته شما قرار داده است که در راه شما خواری و اذیت‌ها را تحمل می‌کنند و قبرهای شما را آباد می‌کنند و به منظور تقرب به درگاه خدا و به خاطر دوستی رسول خدا ﷺ بسیار به زیارت آن‌ها آیند، ای علی! شفاعت من مخصوص این گروه خواهد بود و آنان بر حوض من وارد شوند و فردای (قیامت) در بهشت زیارت کنندگان و همسایه‌گان من خواهند بود.

ای علی! کسی که قبرهای شما را آباد کند و به دیدارشان آید، چنان است که حضرت سلیمان بن داوود علیهما السلام را در ساختن بیت المقدس کمک کرده است و کسی که قبرهای شما را زیارت کند معادل است با ثواب هفتاد حج پس از حج واجب و از گناهان خود بیرون آید تا از زیارت شما باز گردد مانند روزی که مادر او را زائیده، پس مژده باد تور و مژده بده به دوستان خود از نعمت‌های الهی به چیزی که چشمی ندیده و گوشتی نشنیده و بردل هیچ بشری خطور نکرده است.



آداب زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام

مستحب و شایسته این است که زائرین دو امام نکات زیر را رعایت نمایند:

۱. با غسل زیارت وارد حرم شود.
۲. بردرب حرم بایستند و با قرائت اذن دخول، اجازه ورود بگیرد.
۳. هنگام ورود آستانه در و عتبه حرم را ببوسد.
۴. با پای راست وارد حرم و با پای چپ خارج شود.
۵. با ادب تمام و تواضع وارد شود.
۶. در کنار ضریح بایستد و آن را ببوسد.
۷. در کنار ضریح متضرعانه (دعا همراه با جاری شدن اشک) حاجات خویش را از خدای متعال طلب کند.
۸. صدایش را در حرم پایین بیاورد.
۹. زیاد دعا کند و همچنین برای همه طلب خیر کند (به ویژه دعا برای فرج امام زمان علیه السلام).
۱۰. بخشی از قرآن را در حرم مطهر قرائت کرده و آن را به امامان علیهما السلام هدیه کند.

۱۱. زیارت رابه نیابت از پدر و مادر، خویشان و بستگان، انبیاء و اولیاء خدا امامان و به ویژه امام زمان علیه السلام انجام دهد.
۱۲. به روح امامان علیهم السلام به خاطر مصیبت هایی که برایشان اتفاق افتاده، تسلیت بدهد.

اذن دخول حرم

هنگامی که می خواهید وارد حرم شود، ابتدا با خواندن اذن دخول، اینگونه بگوید و از صاحبان حرم اجازه بگیرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بَيْتِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
لَا تَدْخُلُوا بَيْتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ صَاحِبِي
هَذَا الْمَشْهَدَ الشَّرِيفَ فِي غَيْبَتِهِمَا كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضَرَتِهِمَا وَ
أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءُ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ
يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيُذَوِّنُونَ سَلَامِي وَأَنَّكَ حَجَبْتَ
عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ وَإِنِّي
أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا وَاسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا
وَاسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَيْكَ الْإِمَامَيْنِ الْمُفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتَهُمَا عَلَى ابْنِ
مُحَمَّدٍ الْهَادِي وَحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُوَكَّلَيْنِ
بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا حُجَّةَ
اللَّهِ أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُتَقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَذِنَا
لِي يَا مَوَالِي فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَدْنَيْتُمَا لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكُمَا فَإِنْ
لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَأَنْتُمَا أَهْلٌ لَذَلِكَ.

خدایا بر دری از درهای خانه‌های پیامبرت (درود تو بر او و خاندانش) ایستاده‌ام، تو مردم را از اینکه بدون اجازه‌اش وارد شوند منع کرده‌ای، در قرآن فرمودی: «ای مؤمنان! به خانه‌های پیامبر وارد نشوید مگر این‌که به شما اجازه دهند». خدایا، من احترام صاحبان این زیارتگاه شریف را در غایب بودنشان باور دارم چنان‌که در حضورشان و می‌دانم که رسالت و جانشینانت (درود بر آنان باد) همواره زنده‌اند و نزد تو روزی داده می‌شوند، محل ایستادنم را می‌بینند و سخنم را می‌شنوند و به سلامم پاسخ می‌دهند، ولی تو گوشم را از شنیدن کلامشان در پرده قرار داده‌ای و درب فهم مرا به چشیدن لذت مناجاتشان باز کرده‌ای، من از تو ای پروردگارم، اجازه می‌خواهم اولاً و از پیامبرت اذن می‌خواهم ثانیاً و از دو خلیفه‌ات همان دو امامی که اطاعتشان را بر من واجب کرده‌ای یعنی امام هادی و امام عسکری علیه السلام و فرشتگان گماشته شده به این بارگاه مبارک ثالثاً، آیا وارد شوم ای رسول خدا؟! آیا وارد شوم ای دو حجت خدا؟ آیا وارد شوم ای فرشتگان مقرب خدا که در این زیارتگاه اقامت دارید؟ پس مرا برای وارد شدن .ای دو امام من . اجازه دهید، به بهترین اجازه‌ای که به یکی از دوستانتان داده‌اید، چنانچه من لایق آن اجازه نیستم ولی شما لایق آنی.

زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام

سیس امام هادی و امام عسکری علیهما السلام را اینگونه زیارت کن:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّيَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتَيَّ اللَّهَ السَّلَامُ
عَلَيْكُمَا يَا نُورَيِ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا مَنْ
بَدَأَ اللَّهُ فِي شَأْنِكُمَا - السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حَبِيبَيَّ اللَّهَ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا
يَا إِمَامَيَّ اهْدَى أَتَيْتُكُمَا عَارِفًا بِحَقِّكُمَا مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمَا مُوَالِيًا
لِأَوْلِيَائِكُمَا مُؤْمِنًا بِمَا آمَنْتُمَا بِهِ كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمَا بِهِ مُحَقِّقًا لِمَا
حَقَّقْتُمَا مُبْطِلًا لِمَا أَبْطَلْتُمَا أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمَا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي
مِنْ زِيَارَتِكُمَا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتِكُمَا فِي
الْجَنَّةِ مَعَ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ
يَرْزُقَنِي شِفَاعَتِكُمَا وَمُصَاحَبَتِكُمَا وَيُعَرِّفَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا وَلَا
يُسَلِّبَنِي حَبْكُمَا وَحُبَّ آبَائِكُمَا الصَّالِحِينَ وَأَنْ لَا يَجْعَلَ خَيْرَ الْعَهْدِ
مِنْ زِيَارَتِكُمَا وَيَحْشُرَنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي
حُبَّهُمَا وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمَا اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَ
انْتَقِمْ مِنْهُمْ - اللَّهُمَّ الْعَنِ الْأَوَّلِينَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ وَصَاعِفِ عَلَيْهِمُ
الْعَذَابَ - وَبَلِّغْ بِهِمْ وَبِأَشْيَاعِهِمْ وَأَثْبَاعِهِمْ وَمُحِبِّبِهِمْ وَتُتَبِّعِيهِمْ -
أَسْأَلُ ذَلِكَ مِنَ الْجَحِيمِ - إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ
وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

در این زمان برای خود و والدینت دعا کن و همچنین برای سلامتی و فرج مولای غریب عالم امام زمان علیه السلام بسیار دعا کن.

سلام بر شما ای دو نماینده خدا، سلام بر شما ای دو حجت خدا، سلام بر شما ای دو نور خدا در تاریکی های زمین، سلام بر شما ای آنان که خدا اراده اش را درباره شما آشکار کرد، زیارت کنان به حضور شما آمدم، به حق شما آگاهم، دشمن دارم دشمنانتان را و دوستدار دوستانتان هستم، به آنچه به آن ایمان آوردید مؤمنم و به آنچه به آن کافر شدید کافر، حق می دادم آنچه را حق دانستید و باطل می دادم آنچه را باطل دانستید، از خدا، پروردگارم و پروردگارتان درخواست می کنم، بهره ام را از زیارت شما دو تن درود بر محمد و خاندانش قرار دهد و همراهی شما را در بهشت ها نصیب من کند همراه پدران شایسته شما؛ و از او می خواهم که مرا از آتش دوزخ آزاد کند و روزی من فرماید شفاعت و مصاحبت شما را و بین من و شما شناسایی پدید آورد و دوستی پدران شایسته شما را از من نگیرد و این زیارت مرا آخرین بار از زیارت شما قرار ندهد و مرا به رحمتش در بهشت با شما محصور کند؛ خدایا دوستی این دو بزرگوار را نصیب کن و مرا بر آیین آن دو امام بمیران. خدایا ستم کنندگان به حق خاندان محمد را لعنت کن و از آنان انتقام بگیر. خدایا اولین و آخرینشان را لعنت کن و عذاب را بر آنان دوچندان گردان و آنان و شیعیان و دوستداران و پیروانشان را به پست ترین گودی دوزخ برسان، چه تو بر هر کاری توانایی. خدایا در گشایش کار ولی ات و فرزند ولی ات شتاب کن و گشایش کار ما را با گشایش کار ایشان قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان.

دعای مستجاب در کنار قبر امام هادی علیه السلام

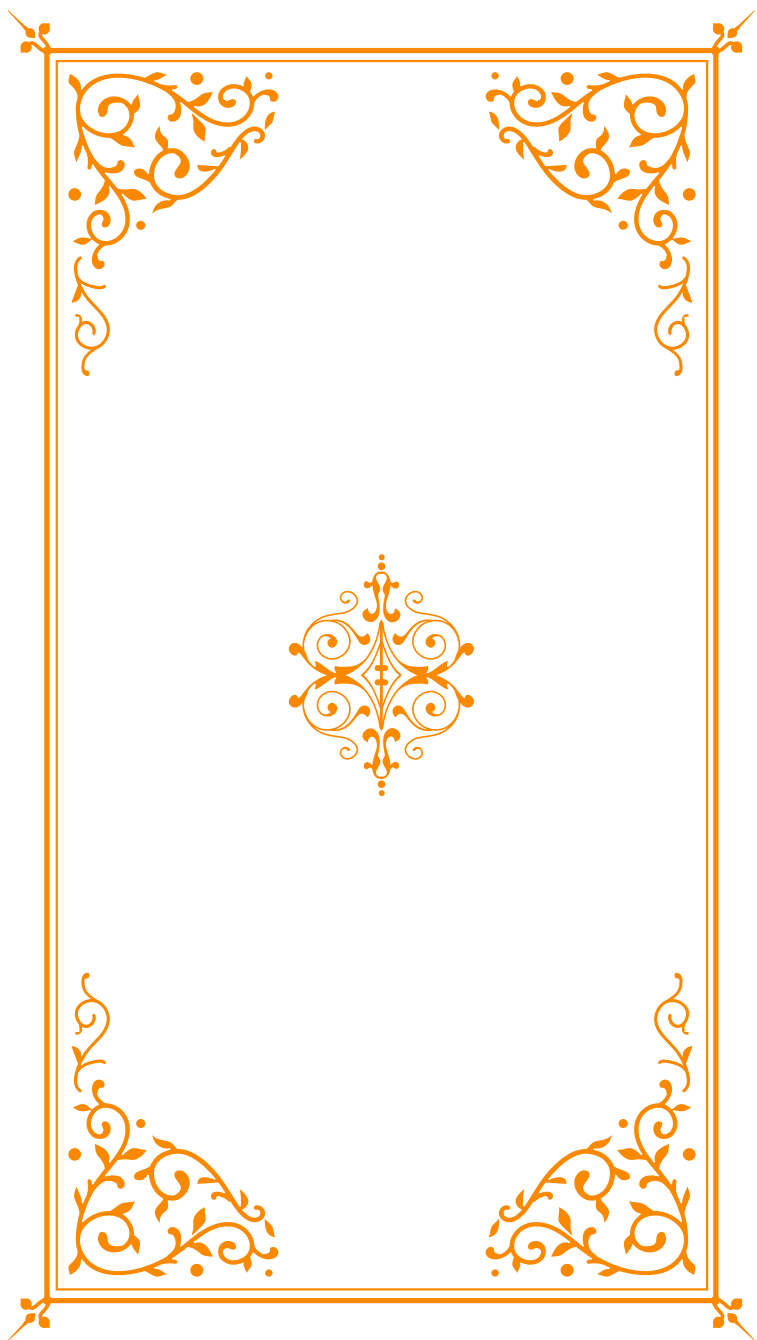
امام هادی علیه السلام فرمود: من از خدا خواسته ام تا هر کسی نزد قبر من اینگونه دعا کند محروم و دست خالی برنگردد:

يَا عَدِّي عِنْدَ الْعَدِّ يَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمِدُ يَا كَهْفِي وَالسِّنْدُ وَ
يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ وَيَا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ
مِنْ خَلْقِكَ وَلَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا صَلِّ عَلَى جَمَاعَتِهِمْ وَ
افْعَلْ بِي...

ای توشه ام پیش توشه ها، وای امید و مورد اعتماد، وای پناهگاه و تکیه
گاهم، ای یگانه، ای یکتا، ای که گفتی: بگو، او خدای یکتاست. خدایا
از تو می‌خواهم، بحق کسانی که آفریدی از آفریده هایت، و در آفریده هایت
کسی را مانند آنها قرار ندادی، برهمگی آنان درود فرست، و با من چنین و
چنان کن.



دوبانوی سامرا



حکیمه خاتون و نرجس خاتون علیهما السلام

حکیمه معروف به «حکیمه خاتون» عمه امام عسکری علیه السلام است و گزارش‌هایی از ایشان درباره تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نیز احوالات مادر آن حضرت وجود دارد.

مادر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آموزه‌های دینی را در مکتب این بانوی بزرگوار یعنی حکیمه خاتون فرا گرفته است. حضور فعال این بانو در شب ولادت منجی موعود، نشان از جایگاه ویژه ایشان در خاندان عصمت و طهارت دارد.

وی نخستین بانویی است که جمال دل‌آرای پیشوای آخرین را مشاهده کرده و یگانه روایتگری است که حکایت آن تولد منجی موعود را به تفصیل گزارش کرده است. چگونگی ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مبتنی بر سخنان ارزشمند این بانوی بزرگ در پی می‌آید.

اما نرجس خاتون علیهما السلام مادر امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف، دختر یسوعا پسر قیصر روم از نسل شمعون یکی از حواریین حضرت عیسی علیه السلام است که از روم به سامرا آمده و سپس به همسری امام عسکری درمی‌آید و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از این بانوی بزرگوار متولد می‌شود.

اما ماجرای آمدن جناب نرجس خاتون از روم به سامرا از این قرار است؛ بشر بن سلیمان یکی از شیعیان و پیروان امام هادی بود. او می گوید: شبی که در خانه خود بودم که کافور خادم حضرت هادی آمد و مرا به نزد امام فراخواند.

نزد امام رفتم و چون در محضرشان حاضر شدم فرمود: ای بشر! تو از فرزندان انصار هستی و شما مورد اعتماد ما اهل بیت هستید و من می خواهم تو را مشرف به فضیلتی سازم و برای خرید کنیزی راهی می کنم. امام نامه ای به خط و زبان رومی نگاشت و آن را پیچید و به خاتم خود مهر کرد و کیسه ای را که در آن دوست و بیست دینار بود بیرون آورد و فرمود: آن را بگیر و به بغداد برو و ظهر فلان روز در معبر نهر فرات حاضر شو تا کشتی های اسیران برسند. در این هنگام فلان شخص برده فروش را زیر نظر بگیر و چون کنیزی را که اوصافش چنین و چنان است برای فروش آورد و آن کنیز از گشودن پوشش روی صورتش و لمس کردن خریداران سرباز می زند، برده فروش آن کنیز را می زند و او به زبان رومی ناله و زاری کند و بدان که آن کنیز به زبان رومی می گوید: وای از هتک پوشش من!

یکی از خریداران می گوید من او را سیصد دینار میخرم و آن کنیز به زبان عربی گوید: اگر در لباس سلیمان و کرسی سلطنت او جلوه کنی من رغبتی به تو ندارم. برده فروش گوید: پس چاره چیست؟ کنیز می گوید: چرا شتاب می کنی باید خریداری باشد که دلم به امانت و دیانت او اطمینان یابد. در این هنگام تو برخیز و به نزد برده فروش برو و بگو: من نامه ای از یکی از اشراف دارم که به زبان و خط رومی نوشته و کرامت و وفا و بزرگواری و سخاوت

خود را در آن توصیف نموده، نامه را به آن کنیز بده تا در خلق و خوی صاحب نامه تأمل کند، اگر به او رضایت داد، من وکیل آن شخص هستم تا این کنیز را برای وی خریداری کنم.

بشر بن سلیمان گوید: همه دستورات امام هادی علیه السلام را درباره خرید آن کنیز بجای آوردم و چون کنیز در نامه نگریست به سختی گریست و به برده فروش گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش! من کنیز را تحویل گرفتم و به حجره‌ای که در بغداد داشتم آمدم. چون کنیز وارد حجره شد، نامه مولایم را درآورده و آن را می‌بوسید و به گونه‌ها و چشمان خود می‌نهاد. من از روی تعجب به او گفتم: آیا نامه کسی را می‌بوسی که او را نمی‌شناسی؟

گفت: ای درمانده و ای کسی که به مقام اولاد انبیاء و امامان معرفت کمی داری! به سخنم گوش کن؛ من ملیکه دختر یسوعا فرزند قیصر روم هستم و مادرم از فرزندان حواریون یعنی شمعون وصی مسیح است. جدّم قیصر روم می‌خواست مرا به عقد برادرزاده‌اش در آورد و در کاخش محفلی تشکیل داد اما در آن هنگام کاخ لرزه شدیدی گرفت و رنگ از روی کشیشان پرید و بزرگ آنها به جدّم گفت: ما را از ملاقات این نشانه‌های نحس که دلالت بر زوال دین مسیحی دارد معاف کن! جدّم قیصر اندوهناک گردید و به داخل کاخ خود رفت.

من در آن شب در خواب دیدم که مسیح و شمعون و جمعی از حواریون در کاخ جدّم گرد آمدند و در همان موضعی که جدّم تخت را قرار داده بود منبری نصب کردند و محمد صلی الله علیه و آله به همراه شماری از فرزندان او وارد شدند. مسیح به استقبال او آمد، آنگاه محمد صلی الله علیه و آله به او گفت: ای روح الله! من آمده‌ام تا از وصی تو شمعون دخترش

ملیکا را برای این پسر خواستگاری کنم و با دست خود اشاره به امام عسکری صاحب این نامه کرد. مسیح به شمعون نگریست و گفت: شرافت نزد تو آمده است، با رسول خدا ﷺ خویشاوندی کن. شمعون گفت: قبول کردم، آنگاه محمد ﷺ بر فراز منبر رفت و خطبه خواند و مرا به پسرش تزویج کرد و مسیح علیه السلام و فرزندان محمد ﷺ و حواریون همه گواه بودند.

چون از خواب بیدار شدم، ترسیدم اگر این رؤیا را برای پدر و جدم بازگو کنم مرا بکشند اما سینه‌ام از عشق امام عسکری لبریز شد، تا به جایی که دست از خوردن و نوشیدن کشیدم و سخت بیمار گردیدم و در روم طبیبی نماند که جدم او را بر بالین من نیاورد اما زمانی که از درمان ناامید شد به من گفت: ای نور چشم! آیا آرزویی در این دنیا داری تا آن را برآورده کنم؟ گفتم: ای پدر بزرگ! همه درها به رویم بسته شده است، اگر شکنجه و زنجیر را از اسیران مسلمانی که در زندان هستند برمی‌داشتی و آنها را آزاد می‌کردی امیدوار بودم که مسیح و مادرش شفا و عافیت به من ارزانی کنند. هنگامی که پدر بزرگم چنین کرد، اظهار سلامتی نمودم و اندکی غذا خوردم. پدر بزرگم خوشحال شد و به عزت و احترام اسیران پرداخت. پس از چهار شب دیگر سیدة النساء فاطمه زهرا علیها السلام را در خواب دیدم که به همراهی حضرت مریم و هزار خدمتکار بهشتی از من دیدار کردند و مریم به من گفت: این سیدة النساء مادر شوهرت امام عسکری است، من گریستم و به او گلایه کردم که امام عسکری به دیدارم نمی‌آید. سیدة النساء حضرت زهرا علیها السلام فرمود: تا تو مشرک و به دین مسیحیان باشی، فرزندانم به دیدار تو نمی‌آید و این خواهرم مریم هم از دین توبه خداوند تبری می‌جوید

و اگر تمایل به رضای خدای تعالی و رضای مسیح و مریم داری و دوست داری که امام عسکری به دیدار تو بیاید بگو:
أشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً رسول الله.

زمانی که این کلمات را گفتم: سَيِّدَةُ النَّسَاءِ مرا در آغوش گرفت و فرمود: اکنون در انتظار دیدار فرزندم امام عسکری باش که او را نزد تو مفرستم. از خواب بیدار شدم و می‌گفتم: چقدر مشتاق دیدار امام عسکری هستم! چون فردا شب فرا رسید، امام عسکری در خواب به دیدارم آمد و فرمود: تأخیر من برای شرك تو بود، حال که اسلام آوردی هر شب به دیدار تو می‌آیم تا آنکه خداوند وصال را میسر گرداند. از آن زمان تاکنون هرگز دیدار او از من قطع نشده است.

سپس گفت: يك شب امام عسکری به من گفت: پدر بزرگت در فلان روز لشکری به جنگ مسلمانان می‌فرستد، تو در لباس خدمتگزاران و بطور ناشناس از فلان راه برو. من نیز چنان کردم تا زمانی که اسیر شدم و کارم به آن جا رسید که مشاهده کردی و هیچ کس جز تو نمی‌داند که من دختر پادشاه روم و خود به اطلاع تو رسانیدم.

بشر گوید: چون او را به «سُرْمَن‌زای» رسانیدم و بر مولایمان امام هادی علیه السلام وارد شدم، به او فرمود: من می‌خواهم تو را اکرام کنم، کدام را بیشتر دوست می‌داری، ده هزار درهم، یا بشارتی که در آن شرافت ابدی است؟ گفت: بشارت را، فرمود: بشارت باد تو را به فرزندی که شرق و غرب عالم را مالک شود و زمین را پراز عدل و داد نماید! گفت: از چه کسی؟ فرمود: از کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در فلان شب از فلان ماه تو را برای او خواستگاری کرد.

امام هادی جناب حکیمه را فراخواند و حکیمه آمد و او را در
آغوش کشید، بعد از آن مولای ما فرمود: ای دختر رسول خدا او را
به منزل خود ببر و واجبات و سنت ها را به او بیاموز که او همسر
ابومحمد (امام عسکری) و مادر قائم علیه السلام است.

زيارت حضرت نرجس خاتون عليها السلام

مادر امام زمان عليه السلام حضرت نرجس خاتون عليها السلام را اينگونه زيارت كن:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيَّمَةِ الظَّاهِرِينَ الْحُجَجِ الْمَيَامِينِ، السَّلَامُ
عَلَى وَالِدَةِ الْإِمَامِ وَالْمُودَعَةِ أَسْرَارِ الْمَلِكِ الْعَلَامِ، وَالْحَامِلَةِ لِأَشْرَفِ
الْأَنْثَامِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسَى وَابْنَةَ حَوَارِي عِيسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ
التَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا
الْمُنْعَوَتَةُ فِي الْإِنْجِيلِ، الْمُخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْأَمِينِ، وَمَنْ رَغِبَ فِي
وُضْلَتِهَا مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ، وَالْمُسْتَوْدَعَةُ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الْحَوَارِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ
وَوَلَدِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الظَّاهِرِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ
أَحْسَنْتِ الْكِفَالََةَ وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ، وَ
صَبَرْتِ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَحَفِظْتِ سِرَّ اللَّهِ، وَحَمَلْتِ وَلِيَّ اللَّهِ، وَبَالَعْتَ
فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ، وَرَغَبْتَ فِي وَضْلَةِ أَنْبَاءِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفًا [عَارِفَةً]
بِحَقِّهِمْ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ، مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ، مُسْتَبْصِرَةً بِأَمْرِهِمْ،
مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ، مُؤَثِّرَةً هَوَاهُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَصْنُوتٌ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ
أَمْرِكَ، مُقْتَدِرَةٌ بِالصَّالِحِينَ، رَاضِيَةٌ مَرْضِيَّةٌ، تَقِيَّةٌ نَقِيَّةٌ زَكِيَّةٌ،

فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَارْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوَاكَ، فَلَقَدْ
أَوْلَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَا أَوْلَاكَ، وَأَعْطَاكَ مِنَ الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكَ،
فَهَذَا اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنَ الْكَرَامَةِ وَأَمْرًاكَ.
ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ وَتَقُولُ:

پس از زیارت آن جناب، سرت را به سوی آسمان بلند کن و اینگونه
دعا کن:

اللَّهُمَّ إِنَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَرِضَاكَ طَلَبْتُ، وَبِأَوْلِيَايِكَ إِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ،
وَعَلَى غُفْرَانِكَ وَحِلْمِكَ اتَّكَلْتُ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَبِقَبْرُأَمِّ وَلِيِّكَ
لُدْتُ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَشَتِّبْنِي عَلَى
مَحَبَّتِهَا، وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ وَلَدِهَا، عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ، وَ
ارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ وَلَدِهَا، كَمَا وَفَّقْتَنِي لِبِزَارَةِ
وَلَدِهَا وَزِيَارَتِهَا.

اللَّهُمَّ إِنِّي اتَّوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِالْأَمَّةِ الظَّاهِرِينَ وَاتَّوَسَّلْتُ إِلَيْكَ بِالْحُجَّجِ
الْمِيَامِينَ، مِنْ آلِ طه وَيس، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، وَأَنْ
تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُظْمِئِينَ الْفَائِزِينَ، الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبَشِّرِينَ، الَّذِينَ فَلَا
خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ*، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ قَبِلْتَ سَعْيَهُ، وَيَسَّرْتَ
أَمْرَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ وَأَمَنْتَ خَوْفَهُ.

اللَّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلْهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا، وَارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا
تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا، وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَةِ وَلَدِهَا وَشَفَاعَتِهَا،
وَاعْفُورِي وَلِوَالِدِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَاتِي وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سلام بر رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) آن راستگوی امین، سلام بر

مولایمان امیرمؤمنان، سلام بر پیشوایان پاک، حجت‌های مبارک، سلام بر مادر امام و مأمن اسرار فرمانروای بسیار دانا و باردار به شریف‌ترین مخلوقات، سلام بر توای صدیقه پسندیده، سلام بر توای همانند مادر موسی و دختر یاران عیسی، سلام بر توای پرهیزکاری عیب، سلام بر توای خرسند به قضای حق و ای بانوی پسندیده، سلام بر توای وصف شده در انجیل و خواستگاری شده از روح‌الله امین و ای کسی که محمد سرور رسولان در پیوند با او علاقه‌مند شد و ای مأمن اسرار پروردگار جهانیان؛ سلام بر تو و پدران خواری تو، سلام بر تو و بر همسر و فرزندان، سلام بر تو و بر روح و جسم پاکیزه‌ات. گواهی می‌دهم که تواز امام زمان نیکو سرپرستی کردی و ادا نمودی امانت را و در عرصه خشنودی خدا کوشیدی و درباره خدا صبر کردی و راز خدا را نگاه داشتی، ولی خدا را باردار شدی و در نگهداری حجت خدا سخت کوشیدی و نسبت به پیوند با فرزندان رسول خدا رغبت ورزیدی، درحالی که به حقشان عارف و به صدقشان مؤمن و به مقامشان معترف و به کارشان بینا و بر آنان غمخوار بودی و محبت آنان را بر محبت دیگران ترجیح دادی و گواهی می‌دهم که تواز دنیا بر پایه بینایی از کارت درگذشتی، درحالی که به شایستگیان اقتدا نمودی، راضی به قضای حق، پسندیده، پرهیزگار، بی عیب، پاکیزه، خدا از تو خشنود باشد و تو را خشنود نماید و بهشت را جایگاه و مأوای تو گرداند، او تو را سزاوار همه خوبی‌ها کرد، به آنچه سزاوار نمود و به تو بخشید از شرافت، آنچه به سبب آن تو را بی نیاز نمود، خدا آن کرامتی را که به تو بخشید، بر تو گوارا و سودمند گرداند.

آنگاه سر خود را بالا کرده و می‌گویی:

خدایا به تو اعتماد کردم و خشنودیت را خواستم و به اولیایت به سوی تو متوسل شدم و برآمزش و بردباری‌ات توکل نمودم و در پناه تو آمدم و به قبر مادر ولی تو پناهنده شدم، پس بر محمد و خاندان محمد درود

فرست و مرا به وسیله زیارتش سودمند کن و بردوستی اش ثابت بدار و از شفاعتش و شفاعت فرزندش محروم مکن و هم جواری اش را نصیب فرما و محشورم نما با او و با فرزندش، چنان که به زیارت فرزندش و خودش موقت نمود بخدایا به سویت به وسیله امامان پاک توجه می کنم، به حجت های با میمنت از خاندان طه و یس توسل به سوی تومی جویم، از تومی خواهم بر محمد و خاندان پاک او درود فرستی و قرار دهی مرا از آرام گرفتگان، رستگاران، شادمانان، مزده گیرندگان که هیچ بیمی بر آنان نیست و هرگز اندوهگین نمی شوند و قرار ده مرا از آنانی که سعی شان را پذیرفته و کارشان را آسان نموده و گرفتاری شان را برطرف ساخته و ترسشان را ایزد داده؛ خدایا به حق محمد و خاندان محمد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و این زیارت را آخرین بار من از زیارت این بانوی بزرگوار قرار مده و برگشت به زیارتش را تا زنده ام داشتی نصیب فرما و هنگامی که مرا بمیرانی در گروهش محشورم کن و در شفاعت فرزندش و خودش وارد فرما و مرا و پدر و مادرم و مردان و زنان با ایمان را بیامرز و به ما در دنیا و آخرت خوبی عطا کن و ما را به رحمت از عذاب دوزخ نگهدار، ای سرور اتم، سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد

زیارت حضرت حکیمه خاتون علیہا السلام

حضرت حکیمه خاتون علیہا السلام، دختر امام جواد و عمه امام زمان علیه السلام
را اینگونه زیارت کن:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى
إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى عِيسَى
رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمَ
النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيَّ
رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ
عَلَيْكُمَا يَا سِبْطِي نَبِيَّ الرَّحْمَةِ وَ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ وَ فُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرَ الْعِلْمِ بَعْدَ النَّبِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ الْبَارَّ الْأَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُوسَى
بْنَ جَعْفَرٍ الظَّاهِرِ الظُّهْرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا
الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ التَّقِيَّ النَّاصِحَ الْأَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ

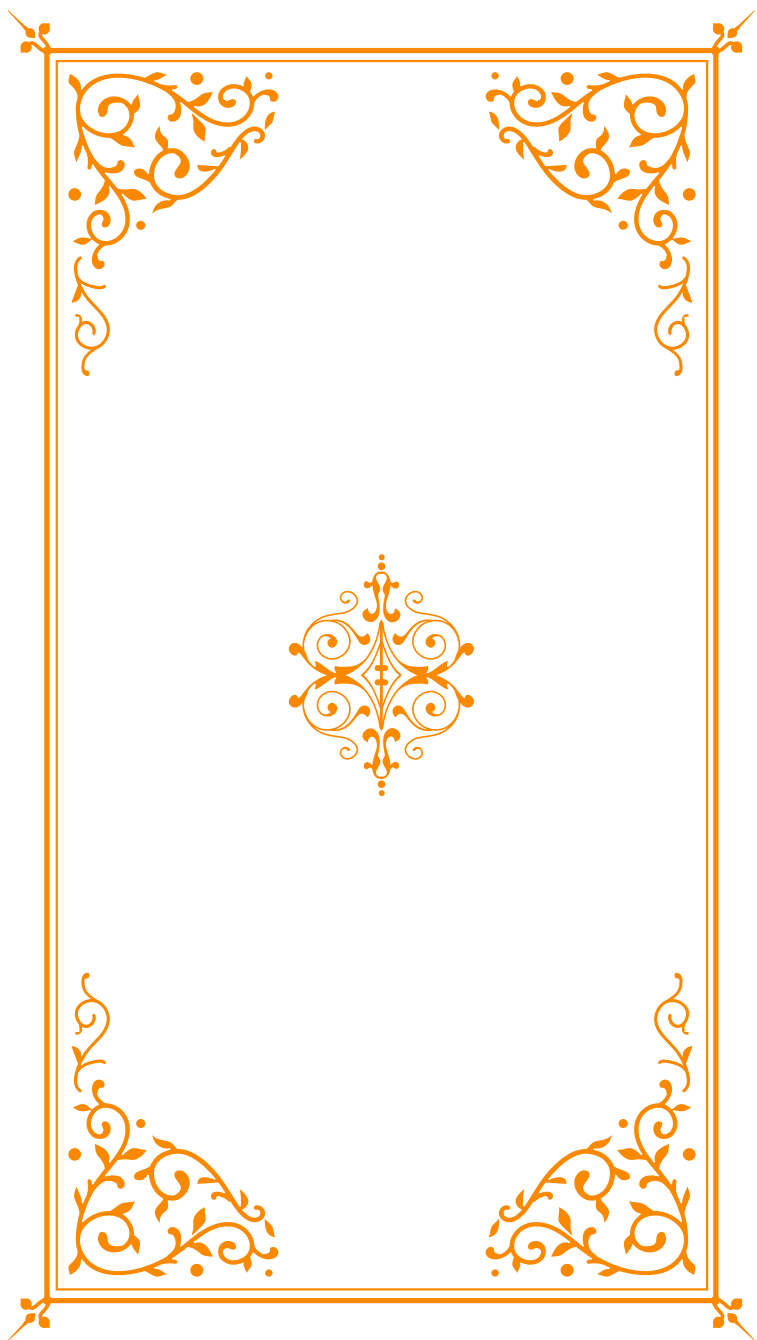
السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَسِرَاجِكَ وَوَلِيِّ
وَلَيْتِكَ وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ
رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَى
الْجَوَادِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ
فِي الْحِجَّةِ وَحَشَرَنَا فِي زُمْرَتِكُمْ وَأَوْرَدَنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ وَسَقَانَا
بِكَأْسِ جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُبْرِينَا فِيكُمْ الشُّرُورَ وَالْفَرْجَ وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِثَابَكُمْ
فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ ص وَأَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ
اتَّقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ
رَاضِياً بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَى يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ
رَاضٍ نَظْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ
يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لِي فِي الْحِجَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأناً مِنَ الشَّانِ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَحْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فَلَا تَسْلُبَ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا وَتَقَبَّلْهُ
بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
أَجْمَعِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيماً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

سلام بر آدم برگزیده خدا، سلام بر نوح پیامبر خدا، سلام بر ابراهیم دوست
خدا، سلام بر موسی هم سخن خدا، سلام بر عیسی روح خدا، سلام بر توای
رسول خدا، سلام بر توای بهترین خلق خدا، سلام بر توای برگزیده خدا،
سلام بر توای محمد بن عبدالله خاتم پیامبران، سلام بر توای امیرمؤمنان
علی بن ابیطالب، جاننشین رسول خدا، سلام بر توای فاطمه سرور بانوان

جهانیان، سلام بر شما ای دو فرزندزاده پیامبر رحمت و دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر توای علی بن الحسین، آقای پرستندگان و نور چشم بینندگان؛ سلام بر توای محمد بن علی، شکافنده دانش پس از نبی، سلام بر توای جعفر بن محمد، راستگوی نیکوکار و امین، سلام بر توای موسی بن جعفر، ای پاک و پاکیزه، سلام بر توای علی بن موسی الرضا، ای امام پسندیده، سلام بر توای محمد بن علی تقی، سلام بر توای علی بن محمد نقی، ای خیرخواه امین، سلام بر توای حسن بن علی، سلام بر جانشین بعد از او، خدایا درود فرست بر نورت و چراغت و نماینده نمایندهات و جانشین جانشین پیامبرت و حجتت بر بندگانت، سلام بر توای دختر رسول خدا، سلام بر توای دختر فاطمه و خدیجه، سلام بر توای دختر امیرمؤمنان، سلام بر توای دختر حسن و حسین، سلام بر توای دختر ولی خدا، سلام بر توای خواهر ولی خدا، سلام بر توای عمه ولی خدا، سلام و رحمت و برکات خدا بر توای دختر محمد بن علی پرهیزکار و رحمت و برکات خدا بر شما باد؛ سلام بر تو، خدا بین من و شما در بهشت آشنایی برقرار کند و ما را در گروه شما محشور نماید و وارد کند به حوض پیامبرتان و با جام جدّتان از دست علی بن ابیطالب سیراب نماید، درود خدا بر شما باد، از خدا می خواهم که درباره ی شما، خوشحالی و گشایش را به ما بنمایاند و ما و شما را در گروه جدّتان محمد (درود خدا بر او و خاندانش) گرد آورد و معرفت شما را از ما نگیرد که او سرپرستی تواناست، به خدا نزدیکی می جویم، به دوستی شما و بیزاری از دشمنانتان و تسلیم بودن به خدا، در حال خشنودی به آن، بدون انکار و تکبر و براساس یقین به آنچه محمد آن را آورده و به آن خشنودم، درحالی که می طلبم به وسیله آن رضای تو را ای آقای من، خدایا و خواستار خشنودی تو و سرای آخرتم، ای حکیمه شفاعت کن برایم در بهشت، به درستی که تو رانزد خدا مقامی از مقامات بلند است. خدایا از تومی خواهم سرانجامم را

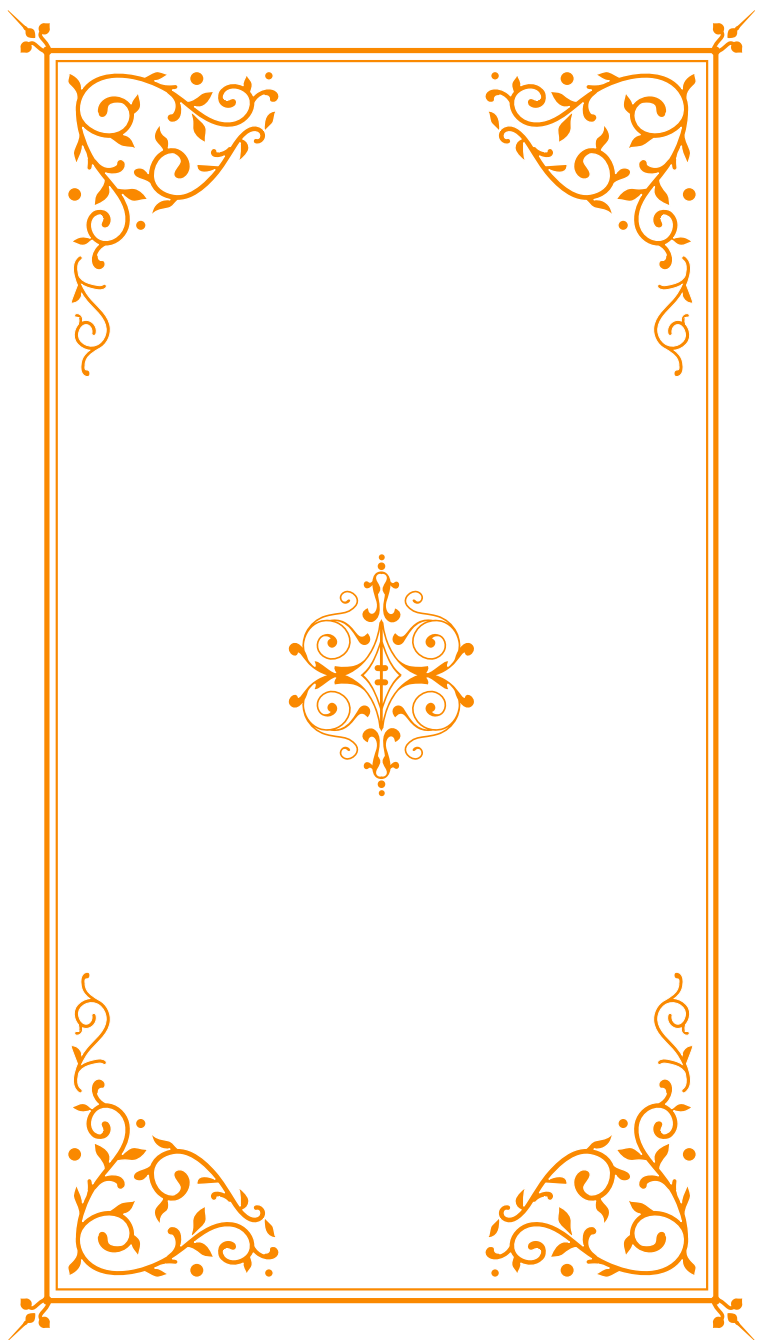
ختم کنی به خوشبختی و آنچه را که در آتم از من بازنگیری و هیچ نیرو و
توانی نیست جزیه خدای بلندمرتبه بزرگ، خدایا دعایمان را مستجاب کن
و به کرم و عزّت و رحمت و عافیت از ما بپذیر و درود و سلام کامل بر
محمد و همه خاندانش، ای مهربان‌ترین مهربانان.

امام زمان
علیه السلام



حضرت مهدی علیه السلام

امام زمان علیه السلام دوازدهمین امام و آخرین وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. ایشان در سحرروز نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمده و نام و کنیه ایشان همچون رسول اکرم است. آن حضرت در پنج سالگی به امامت رسید. آن بزگوار دو غیبت داشته‌اند که به غیبت صغری و غیبت کبری معروف است. امام زمان علیه السلام در طول غیبت صغری از سال ۲۶۰ ه ق تا سال ۳۲۹ ه ق به مدت ۶۹ سال، از طریق سفیران و وکلای چهارگانه یا نواب اربعه خود با مردم در ارتباط بودند. آن جناب در نامه‌ای به آخرین سفیر و وکیل خود (علی بن محمد سمری) بیان کردند که بعد از وفات او، دیگر فردی را به عنوان سفیر معین نکنند؛ زیرا بعد از او غیبت کبری آغاز می‌شود و این غیبت تا زمان صیحه آسمانی و خروج سفیانی ادامه خواهد داشت.



ولادت امام زمان علیه السلام

قال الله تعالى: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾.

بامداد مبارک و فرخنده و پر میمنت روز پانزدهم شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری طلوع می کرد. در امامت سرای حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شور و هیجان و شوق و انتظار شدت می یافت. ملائکه در آنجا بیش از هر وقت دیگر، آمد و رفت داشتند. انوار رحمت الهی در تابش و لمعان و فروغ و شکوه ایزدی درخشان بود. در ملا اعلیٰ فرشتگان و کروییان عالم بالا از نوزادی که هم اکنون در خاندان نبوت و شمائل محمدی خود را به عالمیان نشان خواهد داد، در سخن بودند.

بهشت را زینت می کردند تا محافل جشن و مجالس انس و ذوق ملکوتی برپا کنند. غریو شادی، نغمه های روح بخش و طرب انگیز حورالعین، بهشتیان را غرق در حظوظ روحانی کرده بود. از شب نیمه شعبان دقایقی بیشتر باقی نمانده بود؛ دقایقی که آرام آرام می گذشت و برای آنها که منتظر بودند، به قدر سال ها بود.

سرانجام شب به دقیقه آخرین رسید و ثانیه شماری شروع شد، ثانیه‌ها هم با کندی، یکی پس از دیگری گذشتند. ناگاه نورانیت و روشنی فوق العاده ای که بر نور چراغ‌ها غالب شد، همه را از تولد نوزاد بشارت داد. نوزاد به دنیا آمد و آخرین رهبر عالم بشریت - ولی الله الاعظم - با جمال جهان آرای خود گیتی را مزین و روشن ساخت.

نرجس خاتون غرق در افتخار و مباهات گشت، بانگ تکبیر و تحمید و تسبیح توأم با فریادهای شادی و تهنیت و هلهله طنین انداز گشت. نوزاد سر به سجده گذاشت و به یگانگی خدا و رسالت پیغمبر ﷺ و امامت پدران بزرگوارش شهادت داد و با صدایی خوش و روح و افزا این آیه مبارکه را تلاوت فرمود: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ «و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض».

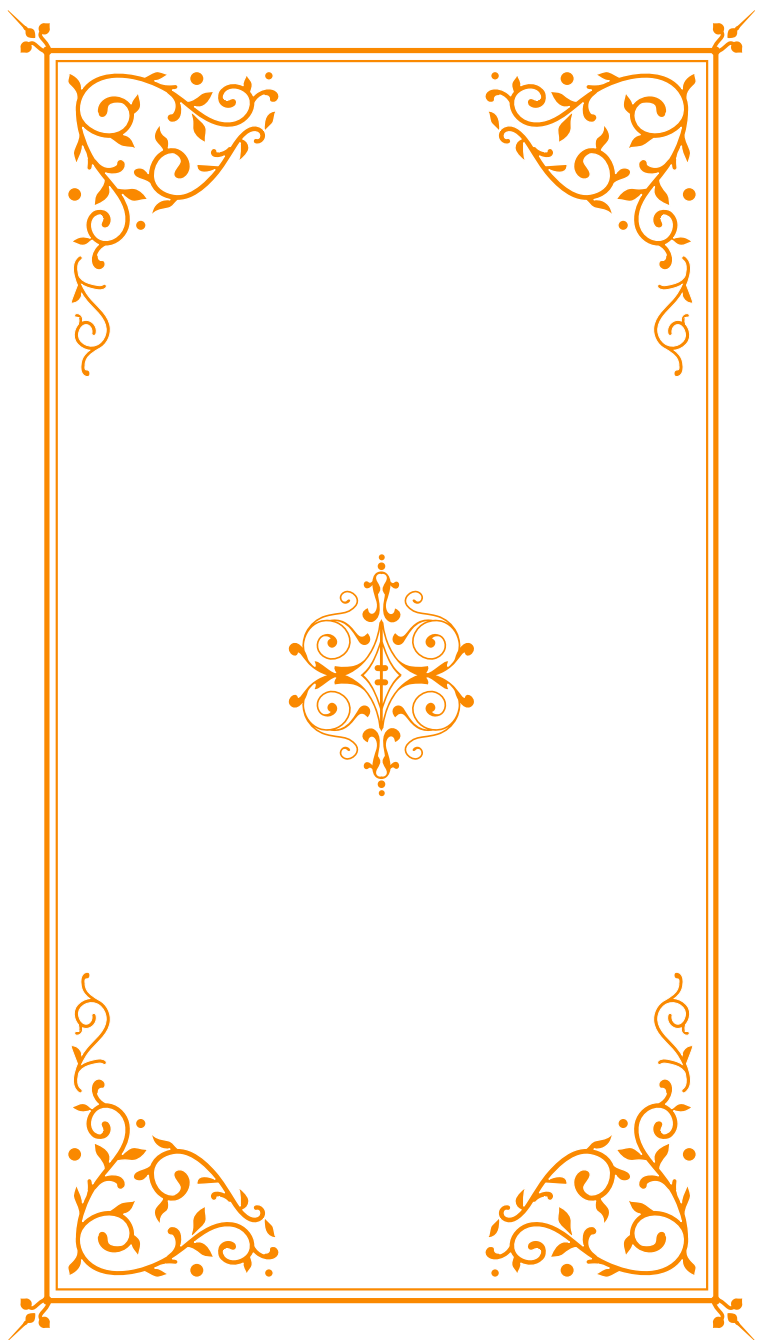
نوزاد به دنیا آمد و عنایات الهی بر خاندان رسالت تکمیل شد. آری این افتخار، مخصوص دودمان نبوت است که موعود نجات دهنده بشر از تجاوز و ستم و آن کس که برای جهانی نمودن اسلام و اجرای قرآن قیام فرماید، از آن خاندان با عظمت است.

پیامبر اسلام ﷺ خوشدل بود که فرزندش مهدی به هدف های رسالت و دعوت او جامه عمل می پوشاند، و به خاندان خود؛ مخصوصا علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام مژده می داد که: مهدی؛ (همان کسی است که با نهضت بی مانند خود، بنیان شرک را ویران و اساس توحید و یکتاپرستی را محکم و استوار می سازد و فرمانروای کل جهان می گردد) از فرزندان آنها است. اوست همان نابغه بی نظیری که انبیا و اولیا ظهورش را مژده دادند و جهان بشریت را به قیام آن حضرت، برای تشکیل حکومت حق و عدالت اسلام و صلح پایدار و برچیدن بساط بیداد گران نوید دادند و همه را به آینده گیتی امیدوار ساختند.

همه مردم با اعتماد تمام و قلبی سرشار از نشاط انتظار دارند؛ انتظار کسی را دارند که این ابرهای تیره ظلم و ستم و فساد را، از افق عالم برطرف کرده و در عالم، برادری و آزادی واقعی را برقرار، و احکام عالی آسمانی را اجرا نماید و بشر را به سوی هدف شریف انسانی رهنمایی فرماید.

شیعیان و مؤمنان به این ظهور، هم شب و روز غدیر را که اساس ولایت الهی است و هم شب و روز نیمه شعبان را جشن می‌گیرند و چراغانی می‌کنند و خیابان و بازار و مغازه‌ها و خانه‌ها را زینت می‌نمایند و غرق در شادمانی می‌شوند و به ملل جهان، علاقه خود را به عدل و داد، صلح و برادری جهانی اعلام و روح شکست ناپذیر و امیدوار خود را آشکار می‌سازند.

ای ولی عصر! ای مهدی موعود! ای وارث غدیر! همه شیعیان و دوستان آرزومند و منتظرند که بامداد سعادت آنها و همه مردم جهان طالع شود و با قیام تو، تمام دردهایشان درمان گردد و عوامل محرومیت، ناکامی و بیچارگی در همه جا از میان برود و پرچم توحید و عدل و صلح اسلام در سراسر گیتی به اهتزاز درآید. و این کار اصلاً بر خدا دشوار نیست. اللهم عجل لولیک الفرج والعافیة والنصر.



امام حسن عسکری علیه السلام امام زمان را به اصحابش معرفی می کند

محمد بن علی بن بلال که از یاران مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام بوده نقل می کند:

خَرَجَ إِلَيَّ مِنْ أَبِي مُحَمَّدٍ قَبْلَ مُضِيِّهِ بِسَنَتَيْنِ يُخْبِرُنِي بِالْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَيَّ مِنْ قَبْلِ مُضِيِّهِ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ يُخْبِرُنِي بِالْخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ.

دو سال پیش از وفات ابومحمد [امام حسن عسکری علیه السلام]، نامه ای از ایشان به دست من رسید که در آن مرا از جانشین خود آگاه کرده بود. همچنین سه روز پیش از شهادت امام عسکری علیه السلام، نامه دیگری از ایشان دریافت داشتم که در آن مشخص شده بود آن حضرت چه کسی را جانشین خود ساخته است.

همچنین احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد از یاران خاص ابومحمد [امام حسن عسکری علیه السلام] است. او صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مشاهده کرد. او شیخ و بزرگ اهل قم و پیک و فرستاده آنها نزد امامان شیعه علیهم السلام بود.

نامه‌ای که احمد بن اسحاق از امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده و در آن به چگونگی آگاه شدن خود از تولد آخرین حجت حق اشاره نموده، به قرار زیر است:

وُلِدَ لَنَا مَوْلُودٌ فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْتُورًا، وَعَنِ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا،
فَإِنَّا لَمْ نَظْهَرْ عَلَيْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَ الْوَلِيَّ لَوْلَايَتِهِ، أَحَبِّبْنَا
إِلَاعْلَامَكَ لِيُسْرِكَ اللَّهُ بِهِ مِثْلَ مَا سَرَّيْنَا بِهِ. وَالسَّلَامُ.

برای ما فرزندی متولد شد. لازم است خبر تولد او را پنهان بداری و به هیچکس از مردم بازگو نکنی. ما کسی را بر این تولد آگاه نمی‌کنیم جز خویشاوند نزدیک را به دلیل خویشاوندی و دوست را به دلیل ولایتش. دوست داشتیم خبر این تولد را به تو اعلام کنیم تا خداوند خاطر تو را شادمان سازد، همچنان که مرا شادمان ساخت. والسلام.

دیگری محمد بن احمد علوی است که از ابی غانم خادم نقل می‌کند: برای ابا محمد [امام حسن عسکری]، فرزندی به دنیا آمد که او را محمد نامید و وی را در سومین روز ولادتش به اصحاب خود عرضه کرد و فرمود:

هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَنُّوْنَ
إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالْإِنْتِظَارِ فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا خَرَجَ فَتَلَاهَا
قِسْطًا وَ عَدْلًا

پس از من، این صاحب شما و جانشین من بر شماست و او قائمی است که مردم در انتظارش می‌مانند و چون زمین از ستم پر شود، ظهور می‌کند و آن را از عدل و داد آکنده می‌سازد.

ماجرای ابوالادیان

شیخ صدوق به سند معتبر از ابوالادیان روایت کرده است که من خدمتگزار امام حسن عسکری علیه السلام بودم و نامه‌های آن حضرت را به شهرها می‌بردم. روزی در زمان همان بیماری که امام در آن بیماری به عالم بقا رحلت فرمود مرا طلبید و چند نامه برای اهل شهر مدائن نوشت و فرمود: بعد از پانزده روز به سامرا بازخواهی گشت و صدای شیون از خانه من خواهی شنید و زمانی وارد خانه من می‌شوی که مرا در آن وقت غسل می‌دهند.

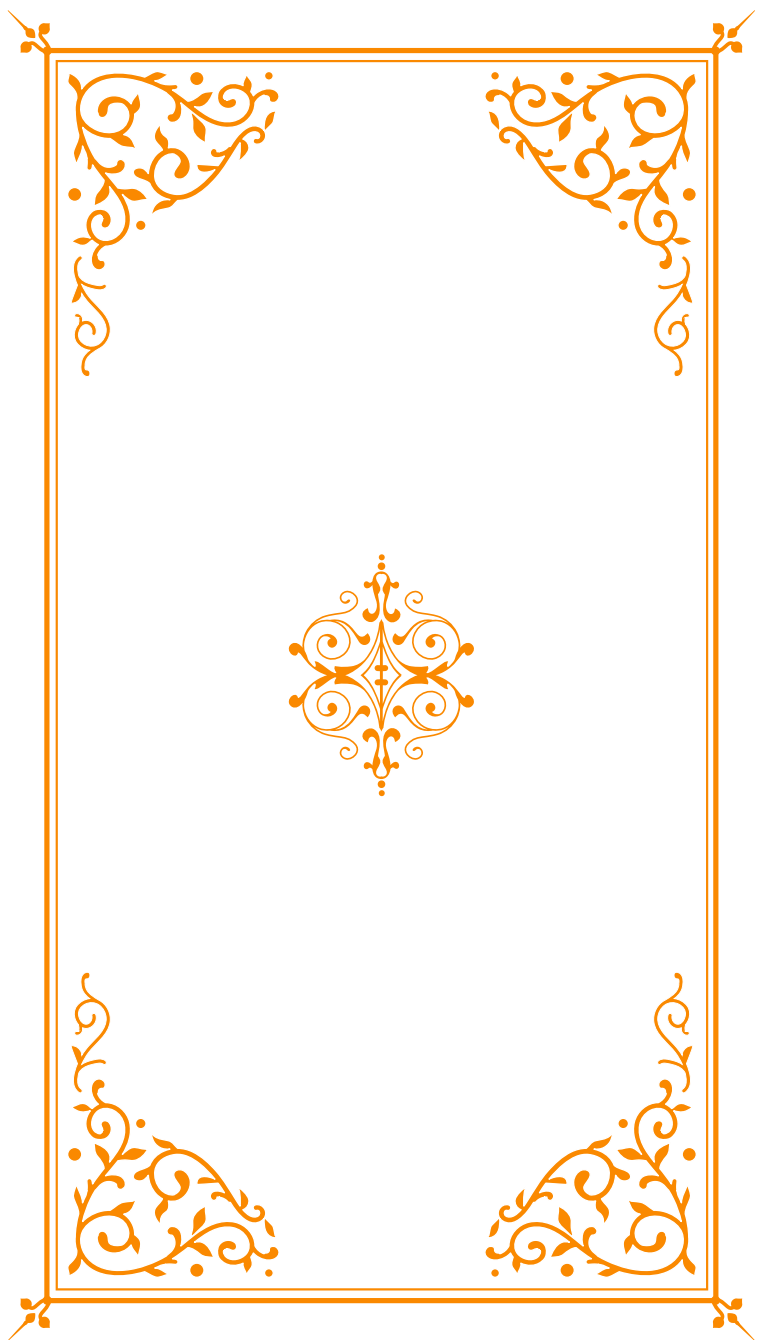
ابوالادیان گفت: مولای من! اگر این اتفاق ناگوار رخ داد، امر امامت با کیست؟ فرمود:

هر که جواب نامه‌های مرا از تو طلب کند او امام است بعد از من، گفتم: علامتی دیگر بفرما، فرمود: هر که برپیکر من نماز بخواند او جانشین من خواهد بود، گفتم: علامتی دیگر بفرما، گفت: هر که بگوید که در همین چه چیزی است او امام شماست.

ابوالادیان گفت که مهابت حضرت مانع شد که بیرسم که کدام
 همیان. بیرون آمدم و نامه‌ها را به اهل مداین رسانیدم و جواب‌ها
 گرفته و برگشتم. چنانچه فرموده بود در روز پانزدهم داخل سامرا
 شدم و صدای نوحه و شیون از منزل آن امام مطهر بلند شده بود.
 چون به در خانه آمدم، جعفر کذاب را دیدم که بر در خانه نشسته
 و شیعیان برگرد او جمع شده‌اند و او را تعزیت به شهادت برادر
 و تهنیت به امامت او می‌گویند. من با خود گفتم که اگر این امام
 است پس امامت نوع دیگری شده است، این فاسق چگونه اهلیت
 امامت دارد، زیرا که پیشتر او را می‌شناختم که شراب می‌خورد و
 قمار می‌بخت و طنبور می‌نواخت. من هم تعزیت و تسلیت گفتم
 و هیچ سؤالی از من نکرد. در این حال عقید خادم بیرون آمد و به
 جعفر خطاب کرد که برادرت را کفن کرده‌اند بیا و بر او نماز بخوان.
 جعفر برخاست و شیعیان با او همراه شدند. چون به صحن خانه
 رسیدیم دیدیم که امام حسن عسکری علیه السلام را کفن کرده بر روی نعش
 گذاشته‌اند. جعفر جلو ایستاد که بر برادر اطهر خود نماز بخواند.
 چون خواست که تکبیر گوید، کودکی گندمگون، پیچیده موی،
 گشاده دندان، مانند پاره ماه بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و
 گفت: ای عمو عقب بایست که من سزاوارترم به نماز خواندن بر
 پدر خود از تو. پس جعفر عقب ایستاد و رنگش متغیر شد، آن طفل
 جلو ایستاد و بر پدر بزرگوار خود نماز کرد. آن امام را در کنار امام
 علی نقی علیه السلام دفن کرد و متوجه من شد و به من فرمود: ای بصری
 جواب نامه‌ها را که همراه توسست به من بده، پس من پاسخ نامه‌ها
 را تسلیم کردم و در خاطر خود گفتم که دو نشان از آن نشانه‌هایی
 که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرموده بود اتفاق افتاد و يك

علامت مانده است. بیرون آمدم پس حازر برای آنکه حجّت را بر او تمام کند که او امام نیست، به جعفر گفتم: آن طفل چه کسی بود؟ جعفر گفتم: والله من او را هرگز ندیده بودم و نمی شناختم.

پس در این حالت جماعتی از اهل قم آمدند و سؤال کردند از احوال امام حسن علیه السلام، چون دانستند که وفات یافته است پرسیدند که: امامت با کیست؟ مردم اشاره کردند بسوی جعفر، پس نزدیک رفتند و تعزیت و تسلیت دادند و گفتند: با ما نامه و مالی چند هست. بگو که نامه ها از چه کسانی است و اموال چه مقدار است تا به تو تسلیم نمائیم؟ جعفر با ناراحتی از جا برخاست و گفت: مردم از ما علم غیب می خواهند. در آن حال خادم بیرون آمد از جانب حضرت صاحب الامر علیه السلام و گفت: همراه شما نامه فلان شخص و فلان و فلان هست و همیانی هست که در آن هزار اشرفی هست و در آن میان ده اشرفی هست که طلا را روکش کرده اند؛ آن جماعت نامه ها و اموال را تسلیم کردند و گفتند: هر که تو را فرستاده است که این نامه ها و اموال را بگیری او امام زمان است و منظور امام حسن عسکری علیه السلام نیز از همیان همین همیان بود.



هجوم به خانه امام زمان علیه السلام

از آنجا که خلفای بنی امیه و بنی عباس می دانستند که حضرت مهدی علیه السلام همان کسی است که به حکومت ظالمانه آنها پایان داده و حکومت عدل الهی را روی زمین خواهد گسترانید، دائماً در تلاش بودند تا آن حضرت را به قتل برسانند. در اینجا به گزارش هایی در مورد این تلاش ها اشاره می کنیم.^۱

۱. ابو حمزه ثمالی از ابو خالد کابلی نقل می کند: بر امام سجاد علیه السلام وارد شدم و از آن حضرت در مورد امامان واجب اطاعه پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سوال نمودم. حضرت امامان را یک به یک معرفی نمود

۱. قَالَ عليه السلام أَمَّا مَوْلِدُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَمَّا وَقَفَ عَلَى أَنَّ زَوَالَ مُلْكِهِ عَلَى يَدِهِ أَمَرَ بِإِخْصَارِ الْكَهَنَةِ فَدَلُّوهُ عَلَى نَسَبِهِ وَأَنَّهُ يَكُونُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ يَزَلْ يَأْمُرُ أَصْحَابَهُ بِشَقِّ بُطُونِ الْأَحْوَالِ مِنْ نِسَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَتَّى قَتَلَ فِي طَلَبِهِ تِسْعًا وَعِشْرِينَ أَلْفَ مَوْلُودٍ وَتَعَدَّرَ عَلَيْهِ الْوُصُولُ إِلَى قَتْلِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحِفْظِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِيَّاهُ وَكَذَلِكَ بَنُو أُمَيَّةَ وَبَنُو الْعَبَّاسِ لَمَّا وَقَفُوا عَلَى أَنَّ زَوَالَ مُلْكِهِمْ وَهُلِكَ الْأُمَرَاءُ وَالْجَبَابِرَةُ مِنْهُمْ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا نَاصِبُونَا الْعَدَاوَةَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ فِي قَتْلِ آلِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِبَادَةِ نَسَبِهِ ظَمَعًا مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى قَتْلِ الْقَائِمِ.... كمال الدين و تمام النعمة: جلد ۲، صفحه ۳۵۲.

تا ذکر امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام به میان آمد. در این هنگام امام سجاد علیه السلام شروع به گریه کرد و گریه شدیدی نمود... ثُمَّ بَكَى عَلَيَّ بُنِ الْحُسَيْنِ بَكَاءً شَدِيدًا... آنگاه فرمود: گویا جعفر کذاب را می بینم که طاغی زمانش را وادار می کند تا در امر ولی الله و غایب در حفظ الهی و موکل بر حرم پدرش تفتیش کند (اگر به او دسترسی یابد)، و این نیست مگر به خاطر جهلی که بر ولادت او دارد و حرصی که بر قتل او دارد و طمع می که به میراث او دارد تا آن را به ناحق غصب کند.^۱

۲. همچنین ابو الحسن بن وحناء بواسطه پدرش از جدش روایت کرده است که در خانه حسن بن علی العسکری امام یازدهم بودیم که سربازان سواره خلیفه به همراهی جعفر کذاب ما را محاصره کردند و مشغول غارت و چپاول منزل حضرت شدند و همه توجه و نگرانی من به حضرت مهدی علیه السلام و حفاظت ایشان بود. ناگاه دیدم آن حضرت آمد و در میان آنان و در پیش چشمان من از در خانه بیرون رفت ولی کسی آن حضرت را ندید و آن جناب در این زمان شش سال داشت.^۲

۳. در گزارش دیگری آمده که در هنگام هجوم به خانه امام زمان علیه السلام راوی می گوید آن جناب را دیدم که از خانه خارج شد در حالی که می فرمود: خدایا تو می دانی که اگر مرا از این خانه نمی راندند و طرد نمی کردند، این خانه از محبوب ترین مکان های روی زمین نزد من بود.^۳

۱. کمال الدین ج ۱ ص ۳۲۰.

۲. کمال الدین ج ۲ ص ۴۷۳.

۳. کافی ج ۱ ص ۳۳۱.

نامه‌ای از امام زمان علیه السلام

اسحاق بن یعقوب گوید: از محمد بن عثمان عمری درخواست کردم نامه‌ای را که مشتمل بر سوالات دشوارم بود به امام زمان علیه السلام برساند. پس از مدتی توقیعی به خط مولایم صاحب الزمان علیه السلام اینگونه صادر شد: خداوند تو را ارشاد کرده و پایدار بدارد، اما پاسخ سؤالی که در باره منکران از خاندان و عموزادگان ما کردی، بدان که بین خدای تعالی و هیچ کس خویشاوندی نیست و کسی که مرا انکار کند از من نیست و راه او مانند راه پسر نوح است، اما راه عمویم جعفر و فرزندانش راه برادران یوسف است.

بدان که نوشیدن آب جو حرام است و نوشیدن شلماب که نوعی شربت است مانعی ندارد و اما اموال شما را نمی‌پذیریم مگر آنکه آن را طاهر سازید هر که خواهد بفرستد و هر که خواهد قطع کند که آنچه خدای تعالی به من داده است بهتر از آن است که به شما داده است.

و اما ظهور فرج، آن بدست خدای تعالی است و تعیین کنندگان وقت برای ظهور دروغ می گویند.

و اما اعتقاد کسی که می گوید حسین علیه السلام کشته نشده است آن کفر و تکذیب و گمراهی است.

و اما حوادث واقعه، در باره آن مسائل به راویان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند من نیز حجت خدا بر آنها هستم...

و اما چگونگی بهره مندی از من در غیبتم، مانند بهره مندی از خورشید است آن زمان که ابرآن را از دیدگان نهان سازد و وجود من امان و امنیت برای اهل زمین است، همچنان که ستارگان امان و امنیت اهل آسمان ها هستند و از اموری که سودی برایتان ندارد پرسش نکنید و خود را در آموختن آنچه از شما نخواستہ اند به زحمت نیفکنید و برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که همان فرج شماست و ای اسحاق بن یعقوب! درود بر تو و بر پیروان هدایت باد.

معرفت امام زمان علیه السلام

در این بخش به صورت مختصر وجود مقدس حضرت بقیه
الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر اساس آیات و روایت معرفی می‌کنیم.

❁ وارث علوم و صفات انبیاء

تمامی علوم انبیاء و امامان علیهم السلام امروزه به امام زمان علیه السلام منتقل شده
است و ایشان وارث علوم و آثار آن بزرگواران است. از این رو در زیارت
نامه ایشان چنین می‌خوانیم: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ.
تمام معجزات انبیاء نیز در زمان ظهور به دست امام زمان علیه السلام
جاری می‌شود.

❁ محبت و رحمت امام زمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام همچون سایر ائمه علیهم السلام پدری مهربان است و محبت و
رحمت ایشان از خود افراد نسبت به خویش بیشتر می‌باشد تا آن جا
که با حزن و بیماری شیعیان، آن جناب نیز محزون و بیمار می‌شود.

❁ دفع بلاء از شیعیان به واسطه دعای آن حضرت

آرامش کره زمین و سکون آن به خاطر وجود امام زمان علیه السلام است. اگر امام زمان علیه السلام لحظه ای از این کره خاکی دور شود، زمین اهل خود را فرو می برد. علاوه بر این، بلاهای زیادی به واسطه ی وجود آن حضرت و دعاها ی ایشان از شیعیان دور می شود.

❁ توجه و عنایت امام زمان علیه السلام به شیعیان

امام زمان علیه السلام در نامه ای به شیخ مفید چنین فرمود:
إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِيْنَ لِذِكْرِكُمْ
ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم.

❁ شجاعت و قدرت امام زمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام همچون سایر ائمه علیهم السلام شجاعت و قدرتی بی نظیر داشته و خوف و ترسی از مخلوقات ندارد. در روایتی در مورد قدرت امام زمان علیه السلام چنین آمده است:

قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَكْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَكَتْ صُخُورُهَا.

بدنش چنان نیرومند است که اگر دست به بزرگ ترین درخت روی زمین ببرد، آن را از ریشه بیرون می آورد و اگر میان کوه ها فریاد برآورد سخره ها خرد می شوند.

وظایف شیعیان در قبال امام زمان

❁ کسب معرفت

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است.

معرفت امام زمان علیه السلام بر هر مسلمانی واجب است و طبق بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنان چه نسبت به امام زمان علیه السلام شناخت لازم را نداشته باشد و به این حال از دنیا برود، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است. در دوران غیبت نیز تنها کسانی نجات پیدا می کنند که نسبت به امام زمان خویش معرفت صحیحی داشته باشند.

❁ ورع و محاسن اخلاق

اگر کسی می خواهد نامش جزء منتظرین امام زمان علیه السلام نوشته شود، شایسته این است که اهل ورع و تقوا باشد. در روایت آمده است:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ
مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ.

کسی که مایل است جزو یاران حضرت مهدی علیه السلام قرار گیرد، باید منتظر باشد و اعمال و رفتارش در حال انتظار با تقوا و نیکو همراه باشد.

❁ انتظار فرج امام زمان علیه السلام

از مهم ترین اعمال دوران غیبت انتظار فرج است. جایگاه منتظران آن چنان والا است که در بیانات اهل بیت علیهم السلام ایشان با فضیلت ترین مردم همه زمان ها معرفی شده اند. فرد منتظر گرچه زمان ظهور را درک نکند، ولی به سبب انتظار خود به منزله کسی است که در کنار امام زمان علیه السلام در مقابل جبهه باطل جنگیده است.

❁ ابراز محبت

بنابر آیه مودت ابراز محبت نسبت به ائمه علیهم السلام واجب است. امروزه امام زمان علیه السلام مصداق این آیه می باشد. بایستی به آن حضرت محبت نموده و محبت مان را اظهار و ابراز کنیم. می توانیم و اهدای ثواب اعمال مستحبی مان به امام زمان علیه السلام به ایشان ابراز محبت کنیم.

❁ دعا

یکی از وظائف شیعیان نسبت به امام زمان علیه السلام دعا است. در ادامه دو روایت در این زمینه نقل می شود:

وَاللّٰهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيْهَا مِنَ التَّهْلُكَةِ اِلَّا مَنْ يُشِيْئُهُ اللّٰهُ عَلَى الْقَوْلِ بِاِمَامَتِهِ وَوَقْفَهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيْلِ فَرْجِهِ.

امام عسکری علیه السلام فرمود: به خدا سوگند هر آینه غیبتی خواهد نمود که تنها

کسانی که خداوند آنان را بر قول به امامت او ثابت کرده و به دعا بر تعجیل فرجش موفق ساخته هلاک خواهند شد.

و أَكثَرُوا الدَّعَا بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ.

امام زمان علیه السلام فرمود: برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید که آن سبب گشایش کارهای شما است.

❁ برائت از دشمنان

شیعیان و محبین امام زمان علیه السلام نسبت به دشمنان آن حضرت بیزار هستند. در روایتی بیان شده که هر شیعه بایستی در دوران غیبت همراه با محبت نسبت شیعیان، از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بیزار باشد تا زمانی که ظهور امام زمان علیه السلام محقق شود.

❁ شوق دیدار

شیعیان و منتظران امام زمان علیه السلام نسبت به دیدار امام خویش مشتاق هستند. در زیارات و ادعیه پیرامون امام زمان علیه السلام به خوبی این شوق نمایان است:

مَتَى تَرَانَا وَ تَرَكَ

مولای من! چه زمانی ما را می بینی و ما نیز آشکارا تو را خواهیم دید؟

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخُلُقَ وَأَنْتَ لَا تُرَى

یابن الحسن! بر من سخت است که مردم را می بینم ولی تو دیده نمی شوی.

❁ تعامل و ارتباط

از آن جا که شیعیان تنها کسانی هستند که خود را پیرو امام زمان می دانند؛ از این رو سزاوار است که شیعیان در طول شبانه روز، ارتباط و توجهی ویژه نسبت به حجت زمان خود داشته باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود با امام خود که او نیز در انتظار به سر می برد، رابطه برقرار کنید.

❁ ذکر و یاد

در دعاها از خدای متعال درخواست می کنیم که قلب های ما را از یاد امام زمان علیه السلام خالی نگرداند:
[پروردگارا] یاد آن حضرت و انتظار [ظهور] او و ایمان به [وجود] او و یقین [کامل] به ظهور او و دعا کردن و درود برای او را از یاد ما مبر. همچنین می دانیم که ذکر و یاد امام زمان علیه السلام ذکر و یاد خدا محسوب می شود.

❁ تجدید عهد و پیمان

حفظ و تقویت پیوند و ارتباط قلبی با امام زمان علیه السلام و تجدید عهد دائمی با آن امام مهربان، یکی دیگر از وظائف مهمی است که هر شیعه منتظر، در عصر غیبت مولایش بر عهده دارد. در دعای عهد چنین می خوانیم:

خداوند! در صبح این روز و روزهایی که زندگی می کنم، عهد و پیمانی برای امام زمان علیه السلام تجدید می کنم و بیعت او بر گردن من است که از آن روی نگردانم و هیچ گاه دست برندارم.

❁ تسلیم و رد امور به امام زمان

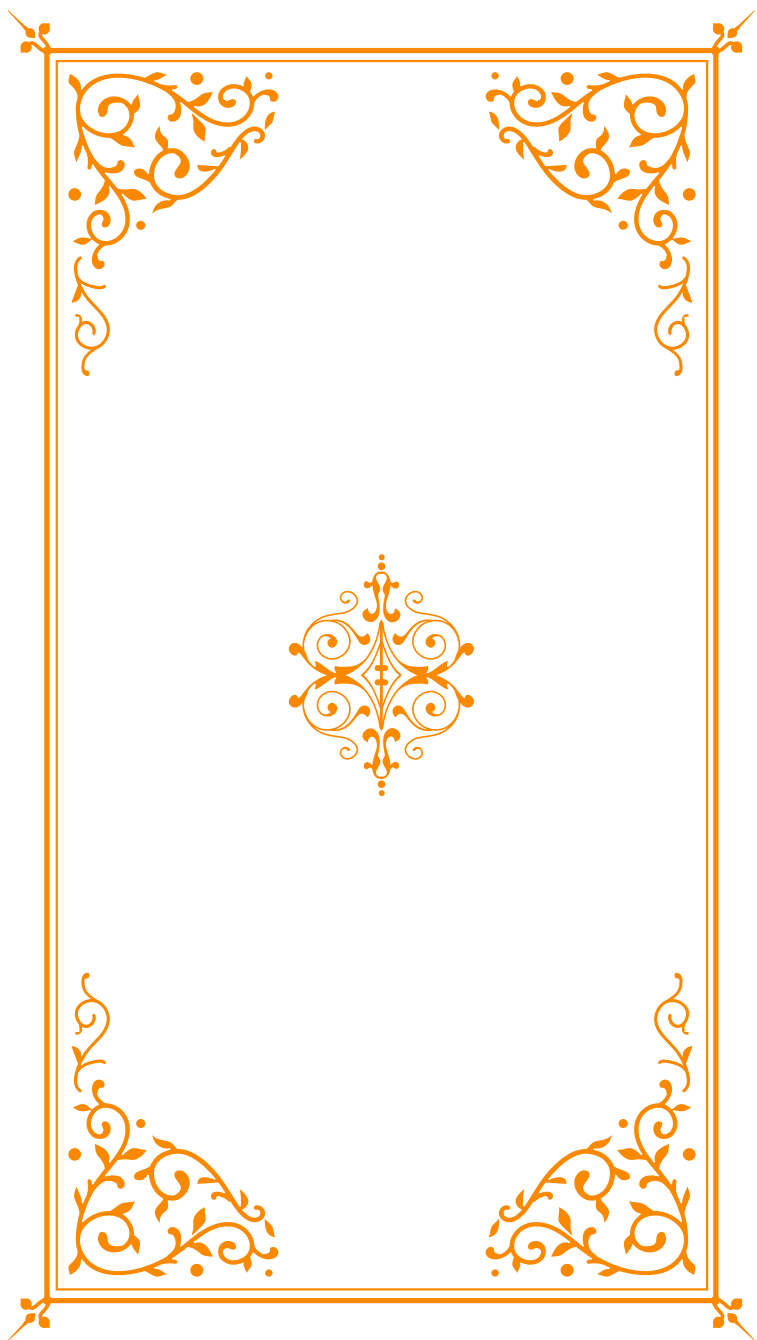
تسلیم در برابر امام زمان علیه السلام یکی از شرایط ایمان محسوب می شود که در روایت بیان شده است:

بنده خدا به درجه ایمان نمی‌رسد تا زمانی که خدا و رسولش و همهٔ ائمه و امام زمانش را بشناسد و در امورش به امام زمانش رجوع کند و تسلیم امام زمانش باشد.

همچنین این روایت بیان می‌کند شیعه واقعی کسی است که تمامی مسائل و مشکلات و امورش را به صورت دائمی با امام زمان خود مطرح کرده و چاره جوی می‌نماید. رد امر به امام زمان علیه السلام یعنی در تمام لحظات به یاد آن حضرت باشم، با آن جناب گفتگو کنم، حاجاتم را از او بطلبم، و دائما او را واسطه میان خود و خدا بدانم.

❁ عرضه اعتقاد به امام علیه السلام

عرضه اعتقاد به امام زمان علیه السلام نیز یکی از مهم وظایف شیعیان است که در روایتی شرط ایمان بیان شده است: زیارت آل یس عرضه یک دوره اعتقادات شیعی به محضر امام زمان علیه السلام است. تدبیر متن این زیارت بسیار معرفت افزا و راهگشاست.



راهکارهای ارتباط با امام عصر علیه السلام

❁ ۱. توسعه شناخت امام عصر علیه السلام

در روایات بیان شده است که اگر کسی نسبت به امام زمان خویش معرفت و شناخت لازم را نداشته باشد و از دنیا برود جاهل و گمراه از دنیا رفته است. از این رو سزاوار است شیعیان برای توسعه شناخت خود نسبت به امام عصر علیه السلام کتاب های زیر را مطالعه کنند:

۱. کمال الدین و تمام النعمه از مرحوم صدوق
۲. مکیال المکارم از مرحوم موسوی اصفهانی
۳. پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی علیه السلام از مرحوم صدرالاسلام همدانی
۴. معرفت امام عصر از سید محمد بنی هاشمی
۵. آشتی با امام عصر؛ از دکتر علی هراتیان
۶. غربت ماء معین؛ از حامد فرج پور، علیرضا هاشمی
۷. دعا کنید برایم؛ از مهدی خدامیان آرانی
۸. حرف آخر؛ از مهدی خدامیان آرانی

علاوه بر تلاش علمی در راه شناخت امام زمان علیه السلام، یکی از راه های توسعه و افزایش معرفت نسبت به آن جناب، این است که از خود امام زمان علیه السلام درخواست کنیم معرفت و شناخت ما را نسبت به خودشان افزایش دهند.

❁ ۲. دوری از گناه

از دیگر اموری که می تواند در ارتباط ما با امام زمان علیه السلام موثر باشد این است که به عشق امام زمان علیه السلام و همچنین برای اینکه توفیق خدمت و نصرت و دعا برای سلامتی و فرج امام زمان علیه السلام را بیابیم، دست از گناه بکشیم.

❁ ۳. توسل به امام زمان علیه السلام

یکی از مؤثرترین راهکارهایی که می تواند باعث ایجاد و استمرار پیوند معنوی با امام زمان علیه السلام شود، «توسل» به آن جناب است. یعنی با نیت ایجاد پیوند معنوی و ارتباط قلبی با آن حضرت، به ایشان متوسل شده و از خود آن جناب مصرا نه درخواست نماییم تا نسیم محبتش را در قلب و جان ما بوزد تا بلکه روز به روز و لحظه به لحظه به این محبت افزوده شود.

❁ ۴. دعا برای امام زمان علیه السلام

دعا کردن یکی دیگر از راهکارهای ارتباطی است که موجب می شود شیعیان با امام زمان خویش پیوند معنوی برقرار کنند. شیعیان با دعا کردن برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام و دعا برای سلامتی آن حضرت و دعا برای دفع بلاء و غم و حزن و اندوه از

آن جناب و دعا برای برآورده شدن حاجات امام زمان علیه السلام به یاد حجت زمان و ولی دوران خود هستند.

❁ ۵. صدقه

دادن صدقه روزانه به نیت سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام باعث حفظ و سلامت آن حضرت شده و همچنین باعث می شود ما روزانه به یاد آن بزرگوار بیافتیم و یقیناً این کار باعث جلب توجه و محبت آن جناب به ما می شود.

❁ ۶. سلام روزانه به حضرت

سزاوار است که شیعیان با عرض ادب و سلام روزانه به محضر امام زمان علیه السلام به یاد آن جناب بیافتند و روز خود را با نام و یاد آن حضرت آغاز کنند. چرا که یقیناً روزی که با یاد آن حضرت آغاز شود، با روزی که بدون نام و یاد آن جناب آغاز شود متفاوت خواهد بود.

❁ ۷. گفت و گوی عاشقانه با امام زمان علیه السلام

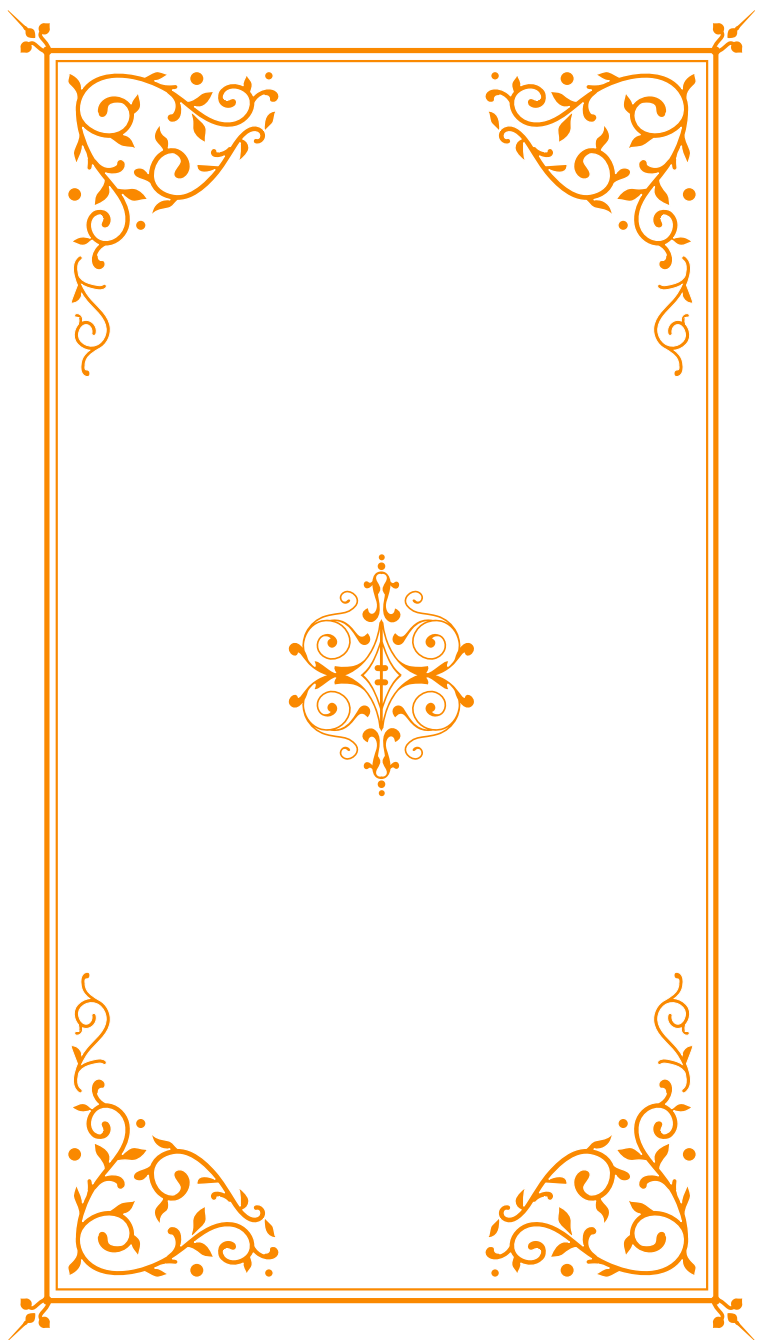
۱. درد دل و عرض حاجت
۲. طلب دعا برای ما
۳. گفتگوی عاشقانه با حضرت
۴. گریه برفراق آن بزرگوار
۵. گریه برابتلائات آن امام مهربان
۶. گفتگو و صحبت کردن با امام زمان علیه السلام
۷. نامه نگاشتن برای آن حضرت علیه السلام (عریضه نویسی)

۸. اظهار محبت به آن جناب با جملات محبت‌آمیز و

شعرگونه و عاطفی

خواندن دعاهاى مخصوصى که در این زمینه و در منابع روایى وارد شده است؛ مانند دعای ندبه، همه و همه موجب تقویت ارتباط و تعامل ما با ولی وقت و امیردوران و حجت زمانمان خواهد شد.

سرداب مطهر امام زمان
علیه السلام



سرداب مطهر

در مناطق گرمسیری که گرمای هوا، مردمان را بی‌تاب می‌کند، برای گریز از گرمای طاقت‌فرسا، در عمق زمین، زیرزمینی آماده می‌کردند که به آن سرداب می‌گویند؛ یعنی جایی که آب، در آن، سرد و خنک می‌شود.

سرداب مطهر در سامراء مقدسه همان خانه ایست که حدود سی سال، سه امام در آن نفَس کشیده‌اند و نشست و برخاست داشته‌اند، صدای مناجاتشان در همین چهار دیواری بر جان دیوارها نیسته و اشک‌ها و لبخندهاشان در همین جا دیده شده است.

در بیت امام هادی علیه السلام در سامرا نیز اتاقی در عمق زمین ساختند که به سبک همه خانه‌های مناطق گرمسیری، پناهگاه ساعات گرم بود و عبادتگاه امام. جایی بود که سه امام در آن نفَس کشیده‌اند، قرآن خوانده‌اند و اشک پاکشان با خاکش آمیخته گشته.

فاصله سرداب با مرقد امامین عسکریین تنها حدود ۱۵ متر است. در گذشته راه ورود به سرداب از داخل حرم مطهر از کنار قبر نرجس خاتون بوده است که زائر پس از زیارت از پله کنار قبر نرجس

خاتون به این مکان مشرف می شده است. تا اینکه سال ۱۲۰۲ هجری احمد خان دَمبلی در راستای توسعه و تعمیر حرم این راه ورودی به سرداب را مسدود و دربی از طرف شمال به سمت سرداب گشود. در تخریب حرم عسکریین در بمب‌گذاری‌های تروریست‌های تکفیری در ۳ اسفند ۱۳۸۴ ش و ۲۳ خرداد ۱۳۸۶ ش به سرداب نیز آسیب‌هایی وارد شد.

مرحوم علامه امینی فرموده: این سرداب، نه غیبت‌گاه امام است و نه نقطه آغازین ظهور، فقط و فقط محل سکونت و عبادت حضرات بوده و طبیعتاً مورد عنایت امام غایب ماست.

قسمتی از داخل سرداب محل حوضی بوده جهت وضو گرفتن آن بزرگواران. اما پس از آنکه آن خانه مزار و محل عبادت مردم شد، این قسمت معین شد به جهت گذاشتن و انداختن عریضه‌ها و رقاع حاجت شیعیان به حضرت صاحب الزمان (عج). به همین منظور در قسمتی از ضریح نصب شده بر آن سوراخی تعبیه کردند و این محل در همه سرداب امتیازی پیدا کرد به تبرک و استشفاء. از آن روزی که غیبت شروع گشته، این سرداب، کانون پناه دردمندان و دوستداران آن امام غایب از نظر بوده تا در آن مکان مقدس، درد فراق را بکاهند و بارِ گرانِ دورانِ محنت را سبک سازند. میعادگاه عاشقان است و پناهگاه والهان.

در این قرنهای پر غصه، قصه‌ها دارد و جلوه‌ها. برخی صدای یار را شنیده‌اند و بعضی نورش را دیده‌اند. جمعی به محضرش رسیده‌اند و جماعتی حاجت گرفته‌اند.

مرحوم سید بن طاووس از علمای شیعه می‌فرماید: در یک سحرگاه در سرداب مطهر (منزل امام زمان (عج) در سامرا) از حضرت

صاحب الامر و احنافداه این مناجات با خدای متعال را شنیدم که حضرتش برای شیعیان دعا نموده و به درگاه الهی عرضه می داشت:

«اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَبَقِيَّةِ طِينَتِنَا وَقَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً اِتِّكَالًا عَلَى حُبِّنَا وَوَلَّيْتِنَا فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَمَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَاصْلِحْ بَيْنَهُمْ وَقَاصْ بِهَا عَنْ حُسْنِنَا وَادْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ وَزَحِّحْهُمْ عَنِ النَّارِ وَلَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ».

خدایا! شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طینت ما خلق شده اند، آن ها گناهان زیادی با اتکاء بر محبت به ما و ولایت ما کرده اند، اگر گناهان آن ها گناهی است که در ارتباط با توسل از آن ها بگذر که ما را راضی و خشنود کرده ای و آنچه از گناهان آن ها که در ارتباط با خودشان است، خودت بین آن ها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست به آن ها بده تا راضی شوند و ایشان را داخل بهشت کن و و از آتش جهنم نجات بده و آنان را با دشمنان ما در خشم و سخط خود جمع نفرما.

❁ اذن دخول حریم سرداب

هنگامی که می خواهی وارد سرداب مطهر که منزل امام زمان علیه السلام است شوی، ابتدا با خواندن اذن دخول، اینگونه بگو و از آن حضرت که امام حی زمان و امیر غدیر دوران است اجازه بگیری:

اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضَرَتِهِ وَاعْلَمْ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءُ عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ

يَرَوْنَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَزُدُّونَ سَلَامِي وَأَتَاكَ حَبَبَتْ
عَنْ سَمْعِي كَلَامُهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ وَإِنِّي
أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلَاؤُ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا
وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمُفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ حِجَّتُ بَنِي الْحَسَنِ
الْعَسْكَرِيِّ إِنْ كَانَتْ الزِّيَارَةُ لِعَبِيرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
الْمَلَائِكَةِ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا أَأَدْخُلُ يَا رَسُولَ
اللَّهِ أَأَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُتَقَرَّبِينَ الْمُتَقِيمِينَ
فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ
مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِدَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لَهُ.

سپیس به سرداب مطهر وارد شو و امام زمانت را زیارت کن:

خدایا بر درِ از درهای خانه‌های پیامبرت (درود تو بر او و خاندانش)
ایستاده‌ام، تو مردم را از اینکه بدون اجازه‌اش وارد شوند منع کرده‌ای، در
قرآن فرمودی: «ای مؤمنان! به خانه‌های پیامبر وارد نشوید مگر این که
به شما اجازه دهند». خدایا، من احترام صاحب این زیارتگاه شریف را در
غایب بودنش باور دارم چنان که در حضورش و می‌دانم که رسالت و
جانشینانت (درود بر آنان باد) همواره زنده‌اند و نزد تو روزی داده می‌شوند،
محل ایستادم را می‌بینند و سختم را می‌شنوند و به سلامم پاسخ می‌دهند،
ولی تو گویشم را از شنیدن کلامشان در پرده قرار داده‌ای و درب فهم مرا
به چشیدن لذت مناجاتشان باز کرده‌ای، من از توای پروردگارم، اجازه
می‌خواهم اولاً و از پیامبرت اذن می‌خواهم ثانیاً و از خلیفه‌ات امامی که
اطاعتش را بر من واجب کرده‌ای حضرت حجت بن الحسن صاحب
الزمان اجازه می‌خواهم و فرشتگان گماشته شده به این بارگاه مبارک
ثالثاً، آیا وارد شوم ای رسول خدا؟! آیا وارد شوم ای حجت خدا؟! آیا وارد شوم
ای فرشتگان مقرب خدا که در این زیارتگاه اقامت دارید؟ پس مرا برای

وارد شدن ای مولایم اجازه ده، به بهترین اجازه ای که به یکی از دوستانت داده ای، چنانچه من لایق آن اجازه نیستم ولی تو لایق آنی.

❁ زیارت آل یس

سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ خَلْقِهِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ
تَرْجُمَانَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ
الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ- السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا الْعِلْمُ الْمُنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمُنْصُوبُ وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدًا غَيْرَ
مَكْذُوبٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ
تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُكَبِّرُ وَتُهَلِّلُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ
وَتَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُنْسِي وَتُصْبِحُ السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا
يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ أَهْلُهُ
وَأَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ
الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَمُوسَى بْنَ
جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ
حُجَّتَهُ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَ
أَنَّ رَجَعْتُمْ حَقًّا لَا شَكَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ
أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ
النَّشْرَ وَالبُعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَ

الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ الْوَعْدُ وَ الْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ يَا مَوْلَايَ سَيِّئٌ مَنْ خَالَفَكَ مِنْ
سَعْدٍ مَنْ أَطَاعَكَ فَاشْهَدْ عَلَى مَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ
عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُ بِهِ وَ
الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَتَنْفِسي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ رِسُولُهُ وَ بِأَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ بِأَيِّمَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرُكُمْ وَ نَصْرَتِي مُعَدَّةٌ
لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ.

سپس اینگونه دعا کن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ
وَ كَلِمَةِ نُورِكَ وَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَ صَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَ فِكْرِي
نُورَ الثَّبَاتِ وَ عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ
وَ دِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَ بَصَرِي نُورَ الصِّيَاءِ وَ سَمْعِي نُورَ وُعْيِ
الْحِكْمَةِ وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالَةِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ حَتَّى أَلْقَاكَ وَ قَدْ وَفَيْتَ بِعَهْدِكَ
وَ مِيثَاقِكَ فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّ يَا حَمِيدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي
أَرْضِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَ الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ - وَ
التَّائِبِ بِأَمْرِكَ وَ لِلَّهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بَوَارِ الْكَافِرِينَ وَ مُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَ مُنِيرِ الْحَقِّ وَ
السَّاطِعِ بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدْقِ وَ كَلِمَتِكَ الثَّامَةِ فِي أَرْضِكَ الْمُتَرْتِبِ الْخَافِ
وَ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةِ النَّجَاةِ وَ عِلْمِ الْهُدَى وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى وَ خَيْرِ مَنْ
تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَى وَ مُجَلِّي الْعَمَى الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ
ظُلْمًا وَ جَوْرًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ * اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِكَ
الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ
تَظْهِيرًا اللَّهُمَّ انصُرْ وَ انْتَصِرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ وَ
اجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ كُلِّ بَاغٍ وَ ظَالِمٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ احْفَظْهُ
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ آخِرُسُهُ وَ اَمْنَعُهُ مِنْ أَنْ
يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَتَيْدُهُ

بِالنَّصْرِ وَانْصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ
بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُتَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ
مَغَارِبِهَا بَرِّهَا وَ بَحْرَهَا وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ وَ اجْعَلْني
اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَ
فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

سلام بر خاندان یس، سلام بر توای دعوت کننده به سوی خدا و آگاه به
آیاتش، سلام بر توای باب خدا و حاکم سیاستمدار دینش، سلام بر توای
خلیفه خدا و یاور حقش، سلام بر توای حجت خدا و راهنما به سوی اراده اش،
سلام بر توای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده اش، سلام بر تو در تمام
ساعات شب و روز، سلام بر توای بجا مانده خدا در زمینش، سلام بر توای
پیمان خدا که آن را برگرفت و استوارش کرد، سلام بر توای وعده خدا که
آن را ضمانت نمود، سلام بر توای پرچم برافراشته و دانش سرریز و فریادرس و
رحمت گسترده و وعده ی بی دروغ، سلام بر تو هنگامی که بر می خیزی، سلام
بر تو زمانی که می نشینی، سلام بر تو وقتی که می خوانی و بیان می کنی،
سلام بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت بجا می آوری، سلام بر تو زمانی
که رکوع و سجود می نمایی، سلام بر تو وقتی که تهلیل و تکبیر می گوئی
سلام بر تو هنگامی که سپاس و استغفار می نمایی؛ سلام بر تو زمانی که
صبح و شام می کنی، سلام بر تو در شب هنگامی که می پوشاند و در روز
وقتی که آشکار می شود، سلام بر توای پیشوای امین، سلام بر توای پیش
نهادی آرزو شده، سلام بر تو به همه سلام ها، تو را گواه می گیرم ای مولایم
که گواهی می دهم معبودی جز خدا نیست، یگانه است و شریکی ندارد
و محمد بنده و فرستاده اوست، محبوبی جز او و اهل بیتش نیست و تو را گواه
می گیرم ای مولایم، بر اینکه علی امیرمؤمنان و حسن و حسین و علی بن
الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و

محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی، حجت‌های خداوند و گواهی می‌دهم که تو حجت‌گذاری، شما آغاز و انجام هستید؛ و همانا بازگشت شما حق است، تردیدی در آن نیست، «روزی که ایمان آوردن کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا در حال ایمان داشتن عمل شایسته‌ای انجام نداده سودی نخواهد داشت» و گواهی می‌دهم که مرگ و ناکرو نکیر و زنده شدن و برانگیختن و صراط و کمینگاه و میزان و گردآوردن و حساب و بهشت و دوزخ و وعده و تهدید به هردو حق است ای مولای من، بدبخت شد کسی که با شما مخالفت ورزید و خوشبخت شد کسی که از شما اطاعت کرد، پس گواه باش بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم و من دوست تو و بیزار از دشمن توأم، پس حق آن است که شما به آن خشنود شدید و باطل آن است که شما از آن ناخشنود گشتید و معروف آن است که شما به آن امر فرمودید و منکر آن است که شما از آن نهی کردید، پس نهاد من مؤمن به خدای یگانه بی‌شریک و به رسول او و به امیرمؤمنان و به شماست ای مولای من، به آغاز و انجام شما و یاری‌ام برای شما آماده و دوستی‌ام نسبت به شما بی‌آلایش است، اجابت فرما، اجابت فرما.

و پس از آن، این دعا خوانده شود:

خدایا من از تو می‌خواهم که بر محمد پیامبر رحمت و کلمه نورت درود فرستی و پرکنی دلم را با نور یقین و سینه‌ام را با نور ایمان و فکرم را با نور تصمیم و اراده‌ام را با نور دانش و نیرویم را با نور عمل و زبانم را با نور راستی و دینم را با نور بینائی‌هایی از سوی خود و دیده‌ام را با نور روشنایی و گوشتم را با نور حکمت و موذتم را با نور دوستی محمد و خاندانش (درود برایشان) تا دیدارت کنم درحالی که به عهد و پیمان‌ت وفا کرده‌ام، پس فرا بگیرد رحمت مرا ای سرپرست و ای ستوده، خدایا درود فرست بر محمد [نام مبارک امام دوازدهم]، حجت در زمینت و خلیفه‌ات در کشورهایت و دعوت‌کننده به راهت و قیام‌کننده به

عدلت و انقلاب‌کننده به فرمانت، دوست اهل ایمان و نابودکننده کافران و زداينده تاریکی و روشنی بخش حق و گویای به حکمت و راستی و کلمه کاملت در زمین، آن منتظر بیمناک، ولی خیرخواه؛ کشتی نجات و پرچم هدایت و روشنی دیدگان مردم و بهترین کسی که جامه و ردای خلافت پوشید و زداينده کوردلی که زمین را پراز عدل و داد می‌کند، چنان‌که از ستم ستمکاران پرشده که تو بر هر کاری توانایی. خدایا درود فرست بروی ات و فرزند اولیایت، آنان‌که اطاعتشان را لازم نمودی و حقشان را واجب کردی و پلیدی را از ایشان زدودی و پاکشان نمودی پاک ساختنی کامل و شایسته. خدایا او را یاری کن و به وسیله او برای دینت پیروزی آور و اولیایت و اولیایش و پیروان و یارانش را، به سبب او یاری ده. خدایا پناهش ده از شرّ هر متجاوز و سرکش و از شرّ همه آفریدگانت و او را محافظت فرما از پیش رو و پشت سرش و از راست و چپ و از او پاسداری کن و از اینکه به او آسیبی رسد نگهداری‌اش فرما و حفظ کن به وسیله او رسول و خاندان رسولت را؛ و عدالت را به وسیله او آشکار نما و او را به پیروزی حمایت کن و یاورش را یاری ده و واگذارنده‌اش را به خواری نشان و شکننده‌اش را بشکن و به وسیله او گردنکشان کفر را درهم بکوب و کافران را به قتل برسان و منافقان و همه بی‌دینان را از میان بردار هر کجا که باشند، از مشارق و مغارب زمین و خشکی و دریای کهری خاکی و به وسیله او زمین را از عدالت پر کن و دین پیامبرت را به او نمایان ساز، خدایا قرار ده مرا از یاوران و کمک‌کاران و پیروان و شیعیانش و به من بنمایان درباره خاندان محمد (درود برایشان)، آنچه آنان آرزو دارند و درباره دشمنانشان آنچه از آن پرهیز می‌نمایند ای معبود حق آمین، ای صاحب بزرگی و رأفت و محبت، ای مهربان‌ترین مهربانان.

❁ نماز

سپس دو رکعت نماز مانند نماز صبح بجا بیاور به نیت نماز سرداب مطهر.

❁ دعا

آنگاه اینگونه به درگاه خدای متعال دعا کن:

اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الرَّائِي فِي فِتْنَاءٍ وَلَيْتَكَ الْمُرُورَ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ
عَلَى الْعَبِيدِ وَالْأَحْرَارِ وَأَنْقَذْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ اللَّهُمَّ
اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ مِنْ مُصَدِّقٍ بِوَلِيَّتِكَ
غَيْرِ مُرْتَابٍ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلَا بِزِيَارَتِهِ وَلَا تَقْطَعْ
أَشْرِي مِنْ مَشْهَدِهِ وَزِيَارَةِ أَبِيهِ وَجَدِّهِ اللَّهُمَّ أَخْلِفْ عَلَيَّ نَفَقَتِي
وَانْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ أَبَوَيَّ وَ
بِجَمِيعِ عَشْرَتِي أَشْتَوِدُكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْإِمَامُ الَّذِي تَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ وَ
يَهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ الْمُكَذِّبُونَ يَا مَوْلَانِي يَا ابْنَ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيٍّ جِئْتُكَ رَاثِرًا لَكَ وَ لِأَبِيكَ وَ جَدِّكَ مُتَبَيِّنًا الْفُوزَ بِكُمْ مُعْتَقِدًا
إِمَامَتَكُمْ اللَّهُمَّ اكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَ الزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عَلَيَّيْنِ
وَ يَبْلُغْنِي بِلَاغَ الصَّالِحِينَ وَ انْفَعْنِي بِحُبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

خدایا بنده زائرت در درگاه ولی زیارت شده توسست که اطاعت او را بر
همگان از برده و آزاد واجب ساختی و دوستان را به وسیله او از عذاب
دوزخ نجات دادی، خدایا این زیارت را زیارتی پذیرفته قرار ده زیارتی با
دعای مستجاب، از تصدیق کننده به ولی ات، تصدیق بدون شک و تردید،
خدایا آن را آخرین عهد و زیارت نسبت به او قرار مده و آمدم را به زیارتگاه
او زیارت پدر و جدش را قطع مکن، خدایا عوض آنچه در این مسیر خرج
کردم به من عنایت کن و برای من سودبخش قرار ده آنچه را در دنیا و آخرت

نصیب من کردی و نیز سودمند قرار ده برای برادرانم و پدر و مادرم و همه خانواده‌ام، تو را به خدا می‌سپارم، ای امامی که به وسیله او اهل ایمان رستگار می‌شوند و به دست او کافران و تکذیب‌کنندگان به هلاکت می‌رسند، ای مولای من ای فرزند حسن بن علی، به سوی تو و پدر و جدّت برای زیارت آمدم، درحالی‌که به رستگاری به وسیله شما یقین دارم و به امامت شما معتقدم، خدایا این گواهی و این زیارت را برای من، نزد خودت در برترین جایگاه‌ها ثبت کن و مرا به آنجا که شایستگان رسیدند برسان و مرا به دوستی آنان سود بخش، ای پروردگار جهانیان.

كتابنامه

١. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب؛
٢. ابو منصور، احمد بن على، الاحتجاج على اهل اللجاج؛
٣. صدوق، محمد بن على، كمال الدين و تمام النعمة؛
٤. طبرى صغير، محمد بن جرير، دلائل الامامة؛
٥. طوسى، ابى محمد بن الحسن، كتاب الغيبة؛
٦. كفعمى، ابراهيم بن على، مصباح الكفعمى؛
٧. كلينى، محمد بن يعقوب، كافى؛
٨. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار؛
٩. نعمانى، محمد بن ابراهيم، كتاب الغيبة.



از دستورات مهم اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)،
لزوم معرفت و شناخت شیعیان نسبت به
امامان به ویژه امام زمان (علیه السلام) است.
با این رویکرد، موقعیت بی نظیر حرم
عسکرین (علیه السلام) و سرداب مطهر و منزل حضرت
مهدی (علیه السلام) در شهر سامراء برای شیعیان
فوق العاده قابل توجه و استفاده است.
به طور معمول شناخت و آگاهی عموم شیعیان
نسبت به سامراء، امامین عسکرین (علیه السلام)،
سرداب مطهر و وجود مقدس امام زمان (علیه السلام) تا
حد مطلوب فاصله دارد.
کتاب سامراء تلاش دارد از این انتساب و
علقه مکانی، جهت ایجاد معرفت و توجه
نسبت به این بزرگواران به ویژه امام زمان (علیه السلام) و
به صورت ویژه تر برای زائران سامراء مقدسه
استفاده نموده و پاسخگوی سؤالات و
راهنمای خیل زائران این بقعه مقدسه باشد.

مؤسسه علمی فرهنگی موعود تقلین

قـم: خیابان سمیه، خیابان رجائی

کوچه پنجم، پلاک ۵۱

۷۶۱۶-۱۶۰-۰۹۱۹



moudethagalain